۸صبح

روایت دیروز | آئینه امروز | نوید فردا

- سال سیزدهم
- شماره ۳۴۵۴
- سه‌شنبه
- ۲۲ میزان ۱۳۹۹
- ۱۳ اکتوبر ۲۰۲۰
- قیمت: ۲۰ افغانی

هلمند در آشوب؛

ویرانی تاسیسات عامه و آواره‌گی هزاران خانواده

۳

کابینه‌ی جدید هفته‌ی آینده برای گرفتن رای اعتماد به مجلس نماینده‌گان معرفی می‌شود

حکومت اعلام کرد که هفته‌ی آینده کابینه‌ی جدید را برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس نماینده‌گان معرفی می‌کند. صدیق صدیقی، سخنگوی ریاست جمهوری، با اعلام این موضوع، روز دقیق معرفی این نامزدوزیران به مجلس برای گرفتن رای اعتماد را مشخص نکرد. این در حالی است که حکومت برای معرفی نامزدوزیران به مجلس نماینده‌گان، نخست اسناد آنان را به مجلس فرستاده است تا بررسی و سپس برای آنان صندوق رای گذاشته شود. اکنون مجلس نماینده‌گان می‌گوید که روند بررسی اسناد برخی از نامزدوزیران تکمیل شده، اما اسناد برخی دیگر مشکل داشته، هنوز هم زیر بررسی است. اعضای این مجلس می‌افزایند که با تکمیل شدن این روند، آنان آماده‌اند تا برای نامزدوزیران صندوق رای بگذارند. صدیق صدیقی، سخنگوی ریاست جمهوری، روز دوشنبه، بیست‌ویکم میزان، در یک نشست خبری گفت که حکومت هفته‌ی آینده نامزدویران جدید را برای...

۶

جایگاه صلح در اندیشه کانت

از نظر کانت، معاهده صلح، زاده جنگ است. همان طوری که فقر، بی‌کاری، آواره‌گی و خشونت، زاده‌ی جنگ است. اگر جنگی نباشد، معاهده صلحی هم به امضا نخواهد رسید. رسیدن به صلح یکی از مشکلات اساسی روزگار کانت بود، در سال‌هایی که کانت زنده‌گی می‌کرد، کشورهای اروپایی در حال جنگیدن در برابر یک‌دیگر بودند...

۴

حقوق مخاطب در تبلیغات تجارتی

۵

سرپرست اداره نورم و استندرد در دادگاه استیناف نیز به ۱۶ سال زندان و پرداخت ۱۰۰ هزار دالر محکوم شد

۸صبح، کابل: دادگاه استیناف مرکز عدلی و قضایی مبارزه با جرایم سنگین فساد اداری حکم دادگاه ابتدایی این مرکز را برای سرپرست اداره نورم و استندرد تأیید کرده است. او به اتهام «طلب یک میلیون و ۲۰۰ هزار دالر امریکایی برای مجموع بندرهای افغانستان و اخذ ۱۰۰ هزار دالر امریکایی رشوت و حیازت غیر قانونی سلاح» محاکمه شده بود.

محمدموسا علمی، سرپرست اداره نورم و استندرد، در بیست‌وهفتم ماه اسد از سوی دادگاه ابتدایی مرکز عدلی و قضایی مبارزه با فساد اداری به ۱۶ سال زندان و پرداخت ۱۰۰ هزار دالر امریکایی به عنوان جریمه، محکوم شده بود. خواجه‌جاوید صدیقی، معاون تخنیکی و احسان‌الله حیات، سرپرست ریاست ارزیابی این اداره در دادگاه ابتدایی مرکز عدلی و قضایی مبارزه با فساد اداری برائت گرفتند.

با این حال، دادگاه استیناف محمدموسا علمی روز دوشنبه، بیست‌ویکم میزان برگزار شد. این دادگاه پس از استماع صورت دعوا، حکم دادگاه ابتدایی را مورد تأیید قرار داد.

پرونده سرپرست اداره نورم و استندرد بربنیاد شکایتی که از سوی یک شرکت بین‌المللی عنوانی دادستانی کل در دهم سرطان سال ۱۳۹۹ خورشیدی، ثبت شده بود، تشکیل شده است.

این شرکت به دادستانی شکایت کرده بود که برای تسلیم‌دهی لابراتوارهای بندر نیمروز، آقینه، اسلام‌قلعه، تورخم، تورغندی، و میل۷۸ فراه، از سوی مقامات اداره نورم و استندرد، ۲۰۰ هزار دالر امریکایی برای هر بندر، ۱۰ درصد سهم و ۲۱ هزار دالر امریکایی در هر ماه رشوت مطالبه شده است.

سه جنگ‌جوی پاکستانی طالبان در حمله هوایی در ننگرهار کشته شدند

۸صبح، ننگرهار: مقامات محلی در ننگرهار می‌گویند که سه جنگ‌جوی پاکستانی در نتیجه یک حمله هوایی ارتش کشته شده‌اند.

مقامات امنیتی در ننگرهار روز دوشنبه، بیست‌ویکم میزان اعلام کردند که این افراد شب گذشته در نتیجه حمله هواپیمای بی‌سرنشین از پا درآمده‌اند.

به گفته نهادهای امنیتی، این افراد در ساحه «کگله»، از مربوطات دره باندر ولسوالی اچین کشته شده‌اند.

منابع می‌گویند که یک فرد پاکستانی به نام سیف‌الدین و دو جنگ‌جوی دیگر تبعه این کشور شامل کشته‌شده‌گان است.

بر اساس معلومات نهادهای امنیتی، بخشی از سلاح و مهمات این افراد نیز در نتیجه این حمله تخریب شده است.

مسوولان اما گفته‌اند که در این رویداد به غیرنظامیان آسیب نرسیده است.

پیش از این، ۱۳ جنگ‌جوی پاکستانی در اوایل ماه اسد سال روان در این ولایت کشته شده‌اند.

گفتنی است که برخی از گروه‌های پاکستانی، از جمله لشکر طیبه، در مناطق شرقی کشور، به ویژه ننگرهار و کنر فعالیت دارند.

صف انتظار مردم مقابل سفارت پاکستان؛ چرا مشکل ویزا حل نمی‌شود؟

دریافت ویزای پاکستان در این روزها همانند گذشتن از هفت خوان رستم است. متقاضیان ویزا باید روزها و شب‌ها را پشت در سفارت پاکستان بگذرانند تا ویزا دریافت کنند. هرچند با سفر عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه ملی به پاکستان، این کشور وعده سپرده بود که در روند توزیع ویزا سهولت ایجاد می‌کند، اما طوری که دیده می‌شود، کدام تغییری در روند توزیع ویزا نیامده است و متقاضیان هم‌چنان در...

۷

۸صبح
روایت دیروز، آئینه امروز، نوید فردا
سال سیزدهم
شماره ۳۴۵۴
سه‌شنبه
۲۲ میزان ۱۳۹۹
۱۳ اکتوبر ۲۰۲۰
قیمت: ۲۰ افغانی

زنگ اول

روی میز چانه بزنید

گروه طالبان با حمله بر شهر لشکرگاه، مرکز ولایت هلمند، بزرگ‌ترین حمله‌ی خود از زمان امضای توافق‌نامه‌ی دوحه در دهم حوت پارسال را به نمایش گذاشت. این حمله در حالی که مغایر تعهدات این گروه با جانب امریکا است، زنگ خطر جدی برای فرصت کنونی صلح نیز است. ساده‌ترین پیام حمله طالبان بر شهر لشکرگاه، این است که اگر دولت طبق توافق‌نامه‌ی دوحه با این گروه رفتار نکند، این گروه میدان جنگ را تخلیه نخواهد کرد. این در حالی است که دولت به رغم این فشارها و حملات، تصمیم قاطع دارد تا تن به توافق‌نامه‌ای که سهمی در تهیه و انعقاد آن نداشته است، ندهد. در نتیجه، گروه طالبان ممکن است با تکرار این خطای محاسباتی در آینده، ضمن نابود کردنِ فرصت کنونی صلح بین افغان‌ها، پای نیروهای خارجی را نیز مجدداً به میدان‌های جنگ باز کند.

هلمند در جنوب کشور یکی از مراکز استراتژیک گروه طالبان در جریان جنگ این گروه با دولت بوده است. در حال حاضر بخش‌هایی از اراضی این ولایت ناآرام در کنترل طالبان است. هلمند نقش عمده‌ای در تأمین منابع مالی و نیروی جنگی گروه طالبان در جریان این جنگ داشته است. مواد مخدر و معادن، بیش‌ترین منابع عایداتی این گروه در هلمند بوده است. سایر منابع عایداتی طالبان در این ولایت درگیر جنگ، مالیات اجباری و اخاذی از شاهراه‌ها بوده است. به همین دلیل، گروه طالبان در حالی که در بسیاری از ولایات در شکست و گریز به سر برده، اما در هلمند پایگاه نسبتاً استواری داشته است.

گروه طالبان پیش از این بارها تلاش کرده است بر شهر لشکرگاه، مرکز ولایت هلمند، مسلط شود، اما این تلاش‌ها ناکام بوده است. بخشی از جنگ‌جویان این گروه از ولایات هم‌جوار هلمند به شمول قندهار و ارزگان برای تصرف این شهر در این حملات مشارکت داشته‌اند. بسیج صدها جنگ‌جو در هر حمله برای تصرف شهر لشکرگاه نشانه‌ی اهمیت هلمند برای بقای این گروه در میدان‌های جنگ و عطش این گروه برای تغییر معادله‌ی جنگ و صلح است. با این وصف، حملات این گروه با نیت سقوط حاکمیت دولت در هلمند، پاسخ سخت گرفته است و مرگ ده‌ها جنگ‌جوی طالبان را در پی داشته است.

اما حملات روزهای اخیر طالبان بر ولسوالی‌های نادعلی و ناوه در هلمند و شهر لشکرگاه، مرکز این ولایت، در شرایط متفاوتی نسبت به گذشته انجام شده است. این حملات درست در شرایطی اجرا شده است که مذاکرات نماینده‌گان دولت و طالبان در قطر برای تهیه‌ی کارشیوه‌ی مذاکرات صلح دچار بن‌بست شده است. گروه طالبان با اصرار بر سر توافق‌نامه‌ی دوحه برای مبنا واقع شدنِ آن در مذاکرات اصلی صلح، مذاکرات مقدماتی این روند را عملاً به بن‌بست برده است. این گروه برای آن‌که جانب دولت را برای پذیرش خواسته خود متقاعد کند، بزرگ‌ترین حمله‌اش از زمان انعقاد توافق‌نامه‌ی دوحه در دهم حوت پارسال را در هلمند به اجرا گذاشته است. محاسبه اشتباهی که ممکن است تبعات ویران‌گر و خسارت‌باری برای روند جاری صلح و حتا توافق‌نامه‌ی دوحه داشته باشد.

بزرگ‌ترین حمله‌ی طالبان به شهر لشکرگاه، مغایر تعهدات این گروه با جانب امریکا نیز است. آن‌گونه که امریکایی‌ها اعلام کرده بودند، طالبان در ازای خروج نیروهای این کشور از افغانستان، به خودداری از انجام حملات بزرگ و تهاجمی و انتحاری در بزرگ‌شهرها متعهد شده‌اند. لشکرگاه از بزرگ‌شهرهای کشور است که حمله‌ی تهاجمی و با بسیج صدها جنگ‌جو برای تصرف این شهر، نقض آشکار این تعهدات است. کما این‌که سربازان امریکایی برای تلافی این حمله، به حمایت نیروهای دولتی دست به کار شدند و مواضع این گروه را هدف بمباران قرار دادند.

دخالت امریکا در جنگ هلمند، یک پیام هشداردهنده و صریح به گروه طالبان داشت. سربازان امریکایی با بمباران مواضع طالبان، اعلام کردند که در محاسبات خود دقیق‌تر عمل کنند و در صورت عدول از تعهدات دوجانبه، سرکوب خواهند شد. دونالد ترمپ، رییس جمهور امریکا، در پی انعقاد توافق‌نامه‌ی دوحه رسماً هشدار داده بود که اگر طالبان دست از پا خطا کنند، نیروهای این کشور با چنان سرعت و قدرتی به افغانستان برخواهند گشت که نظیر آن در گذشته دیده نشده باشد. بنابراین، هر گونه محاسبه‌ی اشتباه از سوی طالبان، می‌تواند شرایط کنونی را کاملاً به زیان این گروه متحول کند؛ البته با این شرط که امریکایی‌ها همان‌گونه که به حمایت از دولت افغانستان در اعلامیه‌ی مشترک کابل - واشنگتن متعهد شده‌اند، به تعهدات خود وفادار بمانند و آن را عملی کنند.

با توجه به آن‌چه گفته شد، دولت و طالبان نیازی به آزمایش قدرت در میدان‌های جنگ ندارند؛ زیرا جنگ نوزده ساله ثابت ساخته است که هیچ یک قادر به حذف فزیکی دیگری نیست. حالا فرصت گفت‌وگو و مذاکره است. دولت و طالبان پس از نوزده سال جنگ، باید قدرت سیاسی یک‌دیگر را روی میز مذاکرات محک بزنند. میز مذاکره تنها جایی برای چانه‌زنی بر سر قدرت سیاسی و نظام سیاسی آینده است. جنگ به جز ادامه‌ی تباهی و ویرانی، سودی برای هیچ یکی از طرف‌ها نخواهد داشت و تغییری هم در معادلات دو سوی میز وارد نخواهد کرد. شکست مذاکرات و برچیدن بساط آن، تنها پی‌آمدی است که برای تکرار و ادامه‌ی این‌گونه حملات متصور است. در صورت وقوع این اتفاق، دولت و طالبان هر دو به سهم خود آسیب خواهند دید و از همه مهم‌تر تاوان به مراتب سنگینی نسبت به گذشته بر گرده‌های زخمی مردم افغانستان بار خواهد شد.

روایت‌های راننده‌گان از ناامنی در بزرگ‌راه هرات - قندهار

خلیل رسولی

شماری از راننده‌گان بزرگ‌راه هرات - قندهار از افزایش ناامنی و دزدی‌های مسلحانه در این مسیر شکایت دارند، به گفته‌ی آنان، طی یک‌ماه گذشته دزدان ۱۲ موتر راننده‌گان ترمینال مسافربری هرات - نیمروز را به زور گرفته‌اند. آنان از مسوولان امنیتی در ولسوالی‌های شیندند و ادرسکن هرات به دلیل ناکامی در تأمین امنیت شکایت دارند.

حضور دزدان زورگیر در بزرگ‌راه هرات - قندهار مشکلات زیادی را برای راننده‌گان و مسافران این مسیر ایجاد کرده و به روایت راننده‌گان، پاسگاه‌های امنیتی که در این مسیر وجود دارد، با وجود آگاهی از ناامنی‌ها، هیچ تلاشی برای مهار آن نمی‌کنند.

راننده‌گان موترهای مسافربری تأکید می‌کنند که فاصله هرات تا نیمروز ۵۲۰ کیلومتر است که حدود ۴۰۰ کیلومتر آن از امنیت نسبی برخوردار است و در ۱۲۰ کیلومتر دیگر آن ناامنی، سرقت و حضور افراد مسلح غیرمسوول، راننده‌گان و مسافرانی که در این مسیر سفر دارند را نگران کرده است.

مقام‌های ارشد امنیتی در غرب کشور، پیش از این به رسانه‌ها گفته بودند که امنیت در این مسیرها برقرار است و جای هیچ نگرانی در این زمینه وجود ندارد. برای شنیدن روایت راننده‌گان از ناامنی در این مسیر، به یکی از ترمینال‌های مسافربری هرات رفتم.

ماما عظیم، چهل سال از عمرش را در راننده‌گی گذارنده و ماه سه بار بزرگ‌راه هرات - قندهار را می‌پیماید و مسافرانش را به مقصد می‌رساند. او از سختی‌هایی که در جریان سفر دیده قصه می‌کند که هر ۱۰ روز یک‌بار نوبتش می‌رسد تا مسافران را از هرات به ولایت فراه یا نیمروز ببرد و از این طریق لقمه‌نانی به دست آورد.

وی می‌گوید: «از هرات تا ولسوالی ادرسکن ناامنی و دزدی زیاد است، پولیس جرأت بیرون شدن از پاسگاه‌های خود را ندارد و دزدان با خیال آسوده اموال مردم را سرقت می‌کنند. برای دزدان فرقی ندارد که راننده هستی یا مسافر، اگر موتر چشم‌شان را بگیرد، حتماً پول و اشیای قیمتی را به زور تفنگ می‌گیرند.»

ماما عظیم، سفره دلش را باز کرد و حرف‌های ناگفته‌اش را برایم بیان کرد. این که هم‌سرش از او یک‌صد افغانی پول طلب کرد، اما نتوانست این مبلغ را به او بدهد. این مرد کهن‌سال که بخش زیادی از عمرش را در مسیر جاده‌ها سپری کرده، باوجود ناامنی مجبور است برای پیدا کردن نان، خطر کند و دل به جاده‌ها بزند.

در ترمینال مسافری، به دیدار راننده‌ای رفتم که چندی پیش دزدان موترش را در منطقه «شاه‌بید» جایی بین ولسوالی‌های گذره و شیندند هرات، ز او گرفته بودند. عبدالکریم، برایم داستان سرقت موتر را بیان کرد. به روایت او، دزدان تفنگ‌دار مسافران را از موتر پایین کردند و تمام دارونداشان را بردند، اما بخت با آنان یار بود که موفق شدند از این معرکه جان سالم به در آورند.

سردارمحمد، یکی دیگر از راننده‌گان، از اتفاقی تلخی که در جریان سفر برایش اتفاق افتاد قصه کرد. او می‌گوید با دو زن، یک مرد و دو کودک که از نیمروز به سوی هرات در حرکت بودند همسفر شد. در منطقه‌ی «آب‌خُرما» به درخواست مسافران موتر را توقف داد و یکی از مسافران با چاقو شانه‌اش را شکافت.

او برای این که جانش را نجات دهد خود را از موتر پایین انداخت و قصد فرار داشت که دوباره مرد دزد، چهار ضربه دیگر چاقو هم به دست و پایش زد تا نتواند فرار کند. او تأکید می‌کند، به سختی از پیش دزدان فرار کرد، اما سارقان موترش را گرفتند و جانش را بخشیدند.

به دنبال افزایش ناامنی در مسیر هرات - قندهار و هرات - کابل، در ماه جدی سال ۱۳۹۸ خورشیدی، راننده‌گان موترهای بزرگ باربری «تیلر و ۳۰۳» در منطقه «میرداوود» ولسوالی «گذره» هرات اعتصاب کاری کرده و این مسیر را به روی رفت‌وآمد وسایط نقلیه بستند.

موترداران و راننده‌گان مدعی بودند که در مسیر فراه‌رود - دلآرام چند پاسگاه امنیتی پولیس از آنان باج‌گیری می‌کنند و افراد زورمند با ایجاد گمرک‌های خودسر، از موترها پول گمرکی می‌گیرند.

به ادعای راننده‌گان، طالبان در این مسیر تنها یک گمرک دارند و برگه‌ی گمرک‌شان سه ماه در تمام افغانستان اعتبار دارد، اما اسناد گمرکی حکومت از یک به ولایت دیگر اعتبار ندارد و آنان مجبوراند پول زیادی را به پولیس باج بدهند.

افزون بر این، برخی راننده‌گان ادعا دارند که پولیس آنان را لت‌وکوب، توهین، و حتا در صورت پرداخت نکردن پول به ضرب گلوله زخمی می‌کند و تا کنون چند راننده با شلیک مرمی توسط پولیس زخم برداشته است. در پی اعتراض‌های گسترده راننده‌گان، وزارت امور داخله چندین پاسگاه پولیس را به دلیل اخاذی از راننده‌گان، جمع‌آوری کرد.

عبدالرووف ارغندیوال، فرمانده قول ۲۰۷ ظفر در غرب کشور، به تازه‌گی به خبرنگاران گفت که تمام بزرگ‌راه‌های ولایات غربی امن است و در این مسیرها پس از راه‌اندازی عملیات‌های مختلف مشکلی وجود ندارد. او بر این باور است که طالبان و افراد مسلح برای ایجاد وحشت این مسیرها را برای لحظه‌ای ناامن می‌کنند و سپس از منطقه می‌گریزند.

بزرگ‌راه هرات - قندهار و هرات - کابل که بخشی از بزرگ‌راه «شماره یک/نمبر یک» کشور است، یکی از مسیرهای مرگ‌آفرین در افغانستان می‌باشد. به تازه‌گی در پی برخورد یک موتر بس مسافربری با ماین در هرات، دست‌کم ۱۱ سرنشین آن زخم برداشته و دو تن دیگر جان‌های‌شان را از دست دادند.

چند روز قبل هم به دنبال برخورد یک موتر فلاین‌کوچ با موتر مسافربری در مسیر بزرگ‌راه هرات - قندهار، ۱۰ تن کشته و شش تن دیگر زخم برداشتند. با این وجود، افزایش ناامنی و دزدی‌های مسلحانه در این مسیر نگرانی مسافران و راننده‌گان را در پی داشته و از دید آنان حکومت در تأمین امنیت این مسیر ناکام بوده است.

۱۰ تن در پیوند به قاچاق مواد مخدر و سازمان‌دهی جرایم تروریستی در ننگرهار و کنر بازداشت شدند

۸صبح، ننگرهار: مسوولان محلی ننگرهار و کنر می‌گویند که ۱۰ تن در پیوند به سازمان‌دهی جرایم تروریستی و قاچاق مواد مخدر در این ولایت‌ها بازداشت شده‌اند.

پولیس مبارزه با مواد مخدر ننگرهار روز دوشنبه، بیست‌ویکم میزان گفت که دو تن را در به قاچاق ۱۲ کیلوگرام هیرویین بازداشت کرده است.

به گفته مسوولان، این افراد در ساحه «ثمرخیل» از مربوطات حوزه نهم امنیتی شهر جلال‌آباد بازداشت شده‌اند و یک موتر نوع «کرولا» که در آن مواد جابه‌جا شده بود نیز ضبط شده است.

هم‌زمان با این، ریاست امنیت ملی کنر، ولایت هم‌جوار ننگرهار می‌گوید که در یک عملیات، هشت تن را در پیوند به ارتباط داشتن با شبکه‌های تروریستی، انفجار ماین‌ها و انتقال مواد انفجاری و مخدر بازداشت کرده است.

این ریاست تصریح کرد که در جریان این عملیات، ۹۲ حلقه ماین، ۱۴۷ کیلوگرام مواد انفجاری، دو دستگاه انفجار ماین‌ها، یک هزار تابلیت «کا» و یک موتر نیز ضبط شده است.

گفتنی است که بازداشت مجرمان در ننگرهار طی روزهای اخیر افزایش یافته است.

پیش از این، نیروهای امنیتی از بازداشت برخی از جنگ‌جویان گروه داعش در این ولایت خبر داده‌اند.

پنج نیروی امنیتی در ارزگان کشته شدند

۸صبح، کابل: مقامات در ولایت ارزگان از حمله گروهی و تهاجمی طالبان بر مواضع نیروهای دولتی در ولسوالی دهراوود این ولایت خبر داده‌اند.

احمدشاه ساحل، سخنگوی والی ارزگان، می‌گوید که در نتیجه این حملات پنج نیروی امنیتی کشته شده‌اند.

او حملات گروه طالبان را بر پاسگاه‌های نیروهای امنیتی تهاجمی توصیف کرد.

این حملات ساعت ۱۰:۰۰ یک‌شنبه، بیست‌ویکم میزان اجرا شده است.

ساحل می‌گوید که در این حمله ۱۶ طالب کشته و ۱۰ طالب دیگر زخمی شده‌اند.

گروه طالبان تاکنون درباره این حمله چیزی نگفته است.

صبح ۷
روایت دیروز، آئینه امروز، نوید فردا
سال سیزدهم
شماره ۳۴۵۴
سه‌شنبه
۲۲ میزان ۱۳۹۹
۱۳ اکتوبر ۲۰۲۰
قیمت: ۲۰ افغانی

هلمند در آشوب؛

ویرانی تاسیسات عامه و آواره‌گی هزاران خانواده

لشکرگاه، مرکز هلمند، با ولسوالی‌های ناوه و نادعلی هم‌جوار است. طالبان حدود یک سال پیش حوزه‌ی چهارم امنیتی شهر لشکرگاه و برخی از پاسگاه‌ها در ولسوالی‌های ناوه و نادعلی را به دست گرفتند، اما این تصرف زیاد دوام نیاورد و نیروهای امنیتی دوباره این مناطق را زیر کنترل درآوردند. هرچند حملات پراگنده‌ی طالبان برای بازپس‌گیری این مناطق ماه‌ها ادامه یافت، اما درگیری‌ها در یک‌ونیم هفته‌ی اخیر شدت گرفته است.

حسیب بهش

درگیری‌های خونین میان نیروهای امنیتی و جنگ‌جویان طالبان در هلمند ادامه یافته است. منابع امنیتی در این ولایت می‌گویند که افزون بر پاسگاه‌های امنیتی در ولسوالی‌های ناوه و نادعلی، حوزه‌ی چهارم امنیتی در شهر لشکرگاه نیز به دست طالبان افتاده است. با این حال، قوای تازه‌نفس به شمول نیروهای کماندو به هلمند اعزام شده‌اند تا مناطق از دست رفته را دوباره تصرف کنند. گزارش‌ها می‌رساند که حدود چهار هزار و ۵۰۰ خانواده‌ی هلمندی با شدت گرفتن درگیری‌ها در برخی از نقاط این ولایت، تنها مواشی و اسباب خواب‌شان را با خود گرفته و از محل بی‌جا شده‌اند. افزون بر این، سب‌استیشن برق هلمند نیز در جریان این درگیری‌ها به تاراج رفته است. نیروهای امریکایی گفته‌اند که برای حمایت از نیروهای افغان، حملات هوایی را بالای مواضع جنگ‌جویان طالبان در هلمند انجام داده‌اند، زیرا طالبان خلاف توافق‌نامه‌ی دوحه عمل کرده‌اند. طالبان اما می‌گویند، حملات‌شان تنها بر نقاطی بوده است که در گذشته در اختیار این گروه قرار داشته و نیروهای امنیتی آن را تصرف کرده‌اند. درگیری‌ها در حالی شدت می‌گیرد که چانه‌زنی هیأت دولت و طالبان در میز مذاکره، پیش‌رفتی نداشته است.

جنگ هلمند در دو روز اخیر به شکل بی‌سابقه‌ای شدت گرفته است. این جنگ‌ها در بیش‌تر نقاط این ولایت، به ویژه حوزه‌ی چهارم امنیتی لشکرگاه و ولسوالی‌های نادعلی و ناوه، ادامه دارد. پس از سقوط حوزه‌ی چهار امنیتی لشکرگاه و برخی دیگر از پاسگاه‌ها، حکومت در پایان روز یک‌شنبه، بیستم میزان، نیروهای امنیتی تازه‌نفس را به این ولایت اعزام کرد. هرچند دو طرف از وارد کردن تلفات بر یک‌دیگر سخن می‌گویند، اما آمار دقیق از این درگیری‌ها در دست نیست. وزارت امور داخله پیش‌تر گفته است که ۷۱ جنگ‌جوی طالب در ولسوالی‌های ناوه و نهرسراج کشته شده‌اند. منابع امنیتی هم‌چنان گفته‌اند که ۲۳ جنگ‌جوی طالب در ساحه‌ی «خیرآباد» ولسوالی ناوه کشته شده‌اند و سه موتر نیز در این جریان آتش گرفته است.

درگیری‌های هلمند چگونه شکل گرفت؟

لشکرگاه، مرکز هلمند، با ولسوالی‌های ناوه و نادعلی هم‌جوار است. طالبان حدود یک سال پیش حوزه‌ی چهارم امنیتی شهر لشکرگاه و برخی از پاسگاه‌ها در ولسوالی‌های ناوه و نادعلی را به دست گرفتند، اما این تصرف زیاد دوام نیاورد و نیروهای امنیتی دوباره این مناطق را زیر کنترل درآوردند. هرچند حملات پراگنده‌ی طالبان برای بازپس‌گیری این مناطق ماه‌ها ادامه یافت، اما درگیری‌ها در یک‌ونیم هفته‌ی اخیر شدت گرفته است. سرانجام طالبان با جمع‌آوری قوای‌شان، شب یک‌شنبه بالای حوزه‌ی چهارم امنیتی و برخی دیگر از پاسگاه‌های نزدیک آن حمله کردند. درگیری‌ها در دو روز اخیر به شکل بی‌سابقه‌ای شدت گرفت و در این میان، طالبان توانستند حوزه‌ی چهارم امنیتی شهر لشکرگاه علاوه بر برخی دیگر از پاسگاه‌ها در ولسوالی‌های ناوه و نادعلی را تصرف کنند. درگیری‌های هلمند یک‌شنبه‌شب چنان شدت گرفت که مردم مجبور شدند تنها مواشی و اسباب خواب‌شان را بردارند و آواره شوند. شعله‌ی این درگیری‌ها حتا به مرز ولسوالی میوند ولایت قندهار نیز رسیده است.

حکومت شام‌گاه روز یک‌شنبه، بیستم میزان، قوای تازه‌نفس را به شمول نیروهای کماندو به لشکرگاه و ناوه اعزام کرد. طالبان اما پیش‌روی‌های‌شان در مرکز هلمند را ادامه دادند و حتا سب‌استیشن برق هلمند را نیز تصرف کردند. منابع در ریاست برشنای هلمند می‌گویند که جنگ‌جویان طالبان دو کارمند فنی و ۱۵ محافظ سب‌استیشن برق را ربوده‌اند و این سبب شده است که برخی از افراد، تجهیزات این سب‌استیشن را به تاراج ببرند. حکومت در سهم خود طالبان را به تاراج تجهیزات متهم می‌کند. صدیق صدیقی، سخنگوی ارگ ریاست جمهوری، گفت که گزارش‌هایی از تخریب سرک و سب‌استیشن برق به آنان رسیده است و حتا فیلم‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد طالبان به تخریب سب‌استیشن افتخار می‌کنند. طالبان اما تخریب سب‌استیشن از سوی جنگ‌جویانش را رد می‌کنند و می‌گویند که هم‌زمان با شدت گرفتن درگیری، برخی از مردم تجهیزات این سب‌استیشن را به غارت برده‌اند که سرانجام با تصرف این گروه، از این کار جلوگیری شده است.

غیرنظامیان بیش‌ترین آسیب را دیده‌اند

درگیری هلمند به غیرنظامیان آسیب‌های جدی‌ای رسانده است. نسیمه نیازی، نماینده‌ی هلمند در مجلس، روز دوشنبه، بیست‌ویکم میزان، به روزنامه‌ی ۸صبح گفت که بیش‌تر مردم در ساحات نبرد، خانه‌های‌شان را ترک کرده و به سایر نقاط این ولایت آواره شده‌اند. وی هرچند تصریح می‌کند که با حضور نیروهای تازه‌نفس، به ویژه نیروهای کماندو، از شدت جنگ کاسته شده است، اما دو طرف هم‌چنان با توپ و هاوان مواضع یک‌دیگر را هدف می‌گیرند. خانم نیازی افزود که برخی از غیرنظامیان در جریان این نبرد کشته شده‌اند، اما آمار دقیق آن در دست نیست. با این حال، تصاویر قربانیان این رویداد در رسانه‌های اجتماعی نشر شده است که نشان می‌دهد برخی از باشنده‌گان لشکرگاه، ناوه و نادعلی بیش‌تر اعضای خانواده‌های‌شان را از دست داده‌اند. اعضای مجلس نماینده‌گان نیز در نشست عمومی روز دوشنبه‌شان، این حملات را محکوم کردند و از حکومت خواستند که جنگ‌جویان طالبان را سرکوب کند.

منابع در ریاست مهاجرین و عودت‌کننده‌گان هلمند نیز می‌گویند که دست‌کم چهار هزار و ۵۰۰ خانواده در جریان دو روز جنگ آواره شده‌اند. به گفته‌ی مسوولان در این ریاست، باشنده‌گان ساحات باباجی، ناوه، نادعلی، بولان و چانجیر به لشکرگاه آواره شده‌اند و اکنون در حالت بلاتکلیفی به سر می‌برند. منابع محلی نیز می‌گویند که آواره‌گان هرچند به ساحات امن رسیده‌اند، اما نتوانسته‌اند برای خود جای بودوباش پیدا کنند. مسوولان گفته‌اند که با حدود ۱۰ موسسه بین‌المللی هم‌آهنگ کرده‌اند و دو گروه را نیز به ساحه فرستاده‌اند تا به بی‌جاشده‌گان کمک کنند. بی‌جاشده‌گان هلمندی از دو طرف خواسته‌اند که جنگ را توقف دهند و به حفظ جان غیرنظامیان توجه کنند.

در آستانه‌ی مذاکرات؛ طالبان نیت تصرف مناطقی را دارند که در گذشته زیر کنترل داشتند

ارگ ریاست جمهوری به حملات طالبان در هلمند واکنش تُندی نشان داد و گفت که این حملات، نمایان‌گر تداوم خشونت‌ها در کشور است. صدیق صدیقی در یک نشست خبری روز دوشنبه، بیست‌ویکم سنبله، بیان داشت که طالبان افزون بر وارد کردن تلفات به غیرنظامیان، به تاسیسات عامه نیز آسیب رسانده‌اند. وی این حملات را محکوم کرد و افزود که تحرکات طالبان در هلمند در واقع نشان می‌دهد که این گروه خواست مردم برای آوردن صلح دایمی را نمی‌پذیرد و آرزوی مردم پیرامون این مهم را خدشه‌دار می‌کند. به باور صدیقی اما حکومت، مردم و جامعه بین‌المللی تاکید بر پایان یافتن جنگ دارند و مذاکرات را به همین هدف در دوحه به راه انداخته‌اند.

سخنگوی ریاست جمهوری تصریح کرد که حملات گروه طالبان در هلمند سبب می‌شود تا مردم نسبت به فرصت صلح مایوس شوند. با این حال، صدیق صدیقی بیان داشت که نیروهای امنیتی و دفاعی به هلمند فرستاده شده‌اند و جنگ‌جویان طالبان به زودی سرکوب خواهند شد. وی افزود که تلاش بر این است تا قوای خاص افغان حملات طالبان را دفع کنند و به مردم کمک برسانند. آقای صدیقی تصریح کرد که محمداشرف غنی، رییس جمهور کشور، نیز در تماس تلفنی با والی هلمند، بر رساندن کمک‌ها به مردم تاکید کرده است. سخنگوی ریاست جمهوری دلیل احتمالی حملات گروه طالبان را زمینه‌سازی و هموار کردن راه برای قاچاق موارد مخدر دانست.

طالبان اما می‌گویند که این گروه تنها بر نقاطی حمله می‌کند که در گذشته آن نقاط را زیر کنترل داشته، اما به دست نیروهای امنیتی افتاده‌اند. قاری یوسف احمدی، سخنگوی این گروه، گفت که جنگ‌جویان طالبان تنها بر منطقه‌ی «باباجی» در حوزه‌ی چهارم امنیتی لشکرگاه و برخی از پاسگاه‌های امنیتی در ولسوالی‌های ناوه و نادعلی یورش برده‌اند و آن مناطق را تصرف کرده‌اند. گفتنی است که دو طرف هنوز آمار دقیقی از تلفات درگیری‌ها نشر نکرده‌اند. با این حال، تصاویری که از محل درگیری‌ها نشر شده است، نشان می‌دهد که تاسیسات در هلمند آسیب جدی‌ای دیده است و مردم نیز از محل آواره شده‌اند.

زنگ خطر برای مذاکرات بین‌الافغانی

یکی از مواردی که جنگ هلمند را جدی‌تر می‌سازد، برخورد دوباره نیروهای امریکایی و طالبان است. سانی لگت، سخنگوی نیروهای خارجی مستقر در افغانستان، روز دوشنبه، بیست‌ویکم سنبله، در یک توییت نوشته است که نیروهای امریکا بر مواضع طالبان در هلمند حمله‌ی هوایی کرده‌اند. وی گفته است که نیروهای امریکایی تاکنون از نیروهای امنیتی افغان در برابر حملات گروه طالبان پشتی‌بانی کرده‌اند و پس از این نیز حامی‌شان باقی می‌مانند. لگت در ادامه، بخشی از گفته‌های اسکات میلر، فرمانده عمومی نیروهای امریکایی در افغانستان را نیز نشر کرده است. اسکات میلر گفته است که طالبان باید اقدامات خود در ولایت هلمند را به گونه‌ی فوری متوقف کنند و از خشونت‌ها در سراسر کشور بکاهند. وی تصریح کرده است که این تحرکات با توافق‌نامه‌ی صلح امریکا و طالبان سازگار نیست و می‌تواند مذاکرات صلح افغانستان را تضعیف کند.

طالبان اما تا پایان روز دوشنبه، بیست‌ویکم میزان، در مورد حمله‌ی هوایی نیروهای امریکایی بر مواضع این گروه واکنش نشان ندادند. ارگ ریاست جمهوری در سهم خود بر ادامه‌ی همکاری‌ها با نیروهای امریکایی تاکید کرد. صدیق صدیقی گفت که حکومت با امریکا رابطه «استراتژیک»، «دوام‌دار» و «استوار بر منافع دو کشور» دارد. به گفته‌ی وی، این روابط هم‌چنان ادامه می‌یابد و برای دو کشور سودمند خواهد بود. به گفته‌ی سخنگوی ریاست جمهوری، دولت از کمک دوام‌دار امریکا بهره‌مند شده است و این روال ادامه می‌یابد. وی افزود که تعهدات امریکا پیرامون حمایت از نیروهای افغان وجود دارد و حکومت از این بابت نگران نیست. ارگ هم‌چنان بر کیفیت در روابط افغانستان و امریکا تاکید دارد. آقای صدیقی تصریح کرد که آقای غنی در گذشته با ارسال نامه‌ای به دونالد ترمپ، رییس جمهور امریکا، بر شمار نه، بلکه بر کیفیت تاکید کرده است.

پیش‌تر، طالبان و امریکا در دوحه تعهد کرده بودند که با امضای توافق‌نامه‌ی صلح، بالای یک‌دیگر حمله نکنند. از سویی هم، طالبان تعهد کرده بودند که بر شهرها حمله نکنند و خشونت‌ها را کاهش دهند. این حملات گروه طالبان و واکنش نیروهای امریکایی، دقیق زمانی انجام می‌شود که مذاکره میان هیأت‌های دولت و طالبان در دوحه ادامه یافته است. این مذاکرات از دو هفته بدین‌سو با کُندی دنبال می‌شود و هیچ نتیجه‌ی محسوسی نداشته است.

روایت دیروز، آئینه امروز، نوید فردا
سال سیزدهم
شماره ۳۴۵۴
سه‌شنبه
۲۲ میزان ۱۳۹۹
۱۳ اکتوبر ۲۰۲۰
قیمت: ۲۰ افغانی

جایگاه صلح در اندیشه کانت

حیدر محمدی دانشجوی مطالعات دفاعی و استراتژیک

کتاب «طرح فلسفی به سوی صلح پایدار، اثر مشهوری از کانت است.
ایمانویل کانت، که پس از ارسطو بزرگ‌ترین فیلسوف غربی به شمار می‌رود، در سال ۱۷۲۴ در «کونیگسبرگ» المان متولد شد.
از نظر کانت، معاهده صلح، زاده جنگ است. همان طوری که فقر، بی‌کاری، آواره‌گی و خشونت، زاده‌ی جنگ است. اگر جنگی نباشد، معاهده صلحی هم به امضا نخواهد رسید. رسیدن به صلح یکی از مشکلات اساسی روزگار کانت بود، در سال‌هایی که کانت زنده‌گی می‌کرد، کشورهای اروپایی در حال جنگیدن در برابر یک‌دیگر بودند، که این جنگ‌ها را می‌توان در سه قالب بررسی کرد:

۱.جنگ میان دو کشور
۲.جنگ میان چند کشور با چند کشور دیگر
۳.جنگ و شورش در داخل یک کشور

در این میان پروس (کشوری کانت شهروند آن بود) رهبری جنگ علیه کشور فرانسه را عهده‌دار بود. چنان‌که پس از جنگ‌های فرسایشی و پیروز نشدن کشور پروس علیه فرانسه، پادشاه پروس در سال ۱۷۹۵م، «پیمان بال» را با کشور فرانسه امضا کرد، و دقیقاً در همین سال، طرح صلح پایدار کانت نیز منتشر شد. این طرح مورد توجه بسیاری از دانشمندان علم سیاست و سیاست‌مداران قرار گرفت.
با توجه به تحولات سیاسی و اجتماعی در آن برهه‌ی تاریخ، کانت توجه بیش‌تری به مسأله صلح در روزگار خودش داشت. طوری‌که ایده اصلی و هدف نهایی کانت آزادی بشر بود، و این آزادی را منوط بر داشتن حقوق ذاتی می‌دانست.
حقوق ذاتی بشر از نظر کانت شامل؛ حق بیان، حق مالکیت، حق آزادی و حق تابعیت کشور است. از نظر کانت این حقوق فقط در حکومت‌های که نظام سیاسی جمهوری دارند، میسر می‌شوند. کشورهایی که نظام سیاسی جمهوری دارند، میان هم نمی‌جنگند، و مردم در این نظام‌ها شورش و انقلاب نمی‌کنند. بنا بر این، در اندیشه کانت جمهوری را می‌توان وسیله‌ای برای رسیدن به آزادی و صلح پایدار جهانی دانست.

طرح صلح کانت در افغانستان

صلح کانت دارای سه بخش اساسی است که شامل؛ پیش‌زمینه‌هایی برای رسیدن به صلح پایدار، شروط اساسی برای رسیدن به صلح پایدار و تضمین‌های صلح پایدار می‌باشد. بنا بر این، در تمامی این مراحل با ارائه این مباحث، آن را همراه با شرایط و گفتمان صلح در افغانستان مطابقت می‌دهیم.

پیش‌زمینه‌های رسیدن به صلح پایدار

به عقیده کانت برای رسیدن به صلح پایدار، پیش‌زمینه‌هایی نیاز است که این پیش‌زمینه‌ها را این گونه بیان می‌کند:

۱.هیچ قرار داد صلحی نباید دارای ماده یا موارد مخفی برای شروع جنگ مجدد یا فراهم نمودن تدارکات برای جنگ مجدد باشد. در این صورت آن قرار داد فقط ترک مخاصمه و به تعلیق درآوردن دشمنی‌ها است، نه یک قرارداد صلح. اما موافقت‌نامه صلحی که میان امریکایی‌ها و طالبان در دوحه به امضای رسید، دارای چنین مواردی می‌باشد.
به طور مثال می‌توان از آزادی پنج هزار زندانی طالبان قبل از آتش‌بس و شروع مذاکرات یاد کرد. آزادی این افراد قبل از این‌که به برقراری صلح منجر شود، به گرم شدن میدان جنگ و افزایش تلفات ملکی و نظامی منجر شده است. در حالی که جانب طالبان فقط یک هزار زندانی دولتی را آزاد می‌کند، در صورتی که جانب دولت افغانستان ملزم به آزادی پنج هزار زندانی طالب شده است. بنا بر این، بر مبنای عقیده کانت، چنین ماده یا مواردی که فراهم نمودن تدارکات برای جنگ است، فقط ترک مخاصمه و دشمنی‌ها می‌باشد، نه یک قرارداد صلح.

۲.هیچ ملتی، اعم از گسترده یا کوچک، استقلالش را توسط ملتی دیگر به ارث، مبادله، خریداری، یا هدیه به دست نیاورده است. این مورد یکی از اصلی‌ترین موارد در پیش‌زمینه‌های صلح است. اگر بخواهیم این مورد را با شرایط افغانستان مطابقت دهیم، به این معنا است که هیچ کشور دیگری به شاه وقت افغانستان استقلال را هدیه نداده، بلکه امان‌الله خان از قوم پشتون به کمک سربازان تاجیک، هزاره و اوزبیک توانسته بود استقلال کشورش را از بریتانیایی کبیر بگیرد. در عین حال دولت‌ها حق دخالت در امور داخلی کشور مستقل دیگری را ندارد، اما در تاریخ افغانستان شاهد دخالت و گسترش جنگ‌های داخلی از جانب کشورهای دیگر بوده‌ایم که این امر منجر به گسترش جنگ‌های نیابتی در کشور شده است.
با این حال، به دنبال جنگ نیابتی، اکنون صلح نیابتی هم آغاز شده و در این پروسه کشورهای دخیل کوچک‌ترین احترامی را برای استقلال افغانستان قایل نیستند. بنا بر این، از نظر کانت، زمانی که کشورها برای استقلال هم‌دیگر احترام قایل نباشند، نباید انتظار زیادی برای تداوم چنین صلحی را داشته باشیم. به باور کانت در چنین شرایط، یک معاهده صلح می‌تواند نقطه پایان بر برخی جنگ‌های خاص بگذارد، اما نمی‌تواند به وضعیت جنگی پایان بدهد. وضعیت جنگی شامل وضعیت عدم اعتماد و فضای امنیتی حاکم بر روابط گفته می‌شود، که این وضعیت فقط در صورت احترام متقابل بین طرفین از بین برده می‌شود.

۳.نیروهای نظامی آماده جنگ باید به تدریج از بین بروند. به عقیده کانت موجودیت چنین نیروهای نظامی آماده جنگ، دیگر ملت‌ها را تهدید و تحریک به اقدام متقابل می‌کند، و این عمل‌کرد ملت‌ها و کشورها را وارد مسابقه بی‌حد و مرز تسلیحاتی کرده و زمینه را برای شروع یک جنگ تازه مهیا می‌سازد. این بخش از اندیشه کانت آرمان‌گراترین و دست‌نیافتنی‌ترین بخش از اندیشه او است.
درست است که برخی از کشورهای اروپایی ارتش و نیروی جنگی ندارند، اما این کشورها امنیت خودشان را در قالب پیوستن به سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) تأمین می‌کنند، و در این خصوص دغدغه امنیتی ندارند. اما تطبیق چنین طرحی در افغانستان غیر ممکن است.
افغانستان با داشتن همسایه‌گانی چون پاکستان، ایران، روسیه و چین، و با توجه به ژیوپولتیک منطقه و فضای امنیتی حاکم بر روابط بین کشورهای همسایه، نمی‌تواند دست به چنین اقدامی بزند، زیرا چنین اقدام بیش‌تر شبیه خودکشی است تا فراهم نمودن زمینه برای رسیدن به صلح پایدار.

۴.در جریان روابط خارجی، ملت نباید به هیچ گونه قرض ملی تن بدهد. این پیش‌زمینه طرح کانت برای رسیدن به صلح پایدار، به جمله معروف «هر که نان دهد فرمان دهد» نزدیک است. کانت می‌گوید برای بازسازی زیرساخت‌های کشور و ذخیره مواد غذایی، نباید به قرض و وام‌های هنگفت تن داد. زیرا این وام‌های سنگین می‌تواند ملت را به تباهی و جنگ مجدد بکشاند.
کشورهای وام‌دهنده پس از مدتی مبالغ هنگفت‌شان را مطالبه می‌کنند، اما کشورهای وام‌گیرنده نمی‌توانند این وام‌ها را بپردازند، از این رو کشور وام دهنده سعی می‌کند در امور داخلی این کشور دخالت نماید، که این مسأله می‌تواند زمینه را برای شروع یک جنگ تازه مهیا سازد. چنان‌که این پیش‌زمینه صلح در افغانستان یک مسأله کاملاً عینی و واقعی است.
کشورهایی که بیش‌ترین کمک مالی و اقتصادی را برای ترمیم و بازسازی زیرساخت‌های افغانستان کرده‌اند، اکنون همان کشورها بیش‌ترین دخالت را در امور جنگ و صلح افغانستان می‌کنند، که همین موضوع پروسه صلح افغانستان را پیچیده‌تر می‌کند.
۵.هیچ دولتی نباید به زور در قانون یا هیأت حاکمه دولت دیگری دخالت کند. چنان که مشخص است کانت از دخالت آمرانه و زورمندانه کشوری در امور قانون‌گذاری و یا دستگاه حکومتی کشور دیگری سخت انتقاد می‌کند و آن را نقض احترام متقابل می‌داند. کانت حکومت‌ها را به مثابه موجوداتی با حقوق برابر معرفی می‌کند و رفتار آن‌ها را مبتنی بر احترام متقابل می‌داند. اما کانت در یک مورد دخالت آمرانه استثنا قایل می‌شود و آن مورد زمانی است که کشوری دچار هرج‌ومرج داخلی شده و نمی‌تواند و امور داخلی‌اش را کنترل نماید، و در عین حال تشخیص یک حاکمیت واحد در آن ممکن نیست.
این بحث کانت شباهت زیادی به دخالت و حمله نظامی ایالات متحده در سال ۲۰۰۱م، به افغانستان دارد، زمانی‌که افغانستان دچار هرج‌ومرج داخلی شده بود، حاکمیت واحد در آن وجود نداشت و کنترل اوضاع داخلی کشور به دست یک سیستم واحد سیاسی نبود. اما با گذشت دو دهه از حمله نظامی امریکا در افغانستان، و با موجودی دستگاه سیاسی واحد در کابل و نظام سیاسی مشخص، برخی از کشورهای همسایه به دخالت آمرانه، بستن مرزهای‌شان و یا اخراج مهاجرین، حکومت افغانستان را تحت فشار قرار می‌دهند تا در اوضاع داخلی افغانستان و پروسه صلح دخالت کنند. به عقیده کانت چنین دخالت‌هایی می‌تواند تمام پروسه صلح را تخریب کند.

۶. هیچ دولتی نباید در جریان جنگ به اعمالی دست بزند که اگر هم روزی صلح برقرار شد، ایجاد اعتماد متقابل ناممکن باشد. چنان‌که کانت در آخرین پیش‌زمینه برای رسیدن به صلح پایدار، به قواعد جنگی و جنایات جنگی اشاره می‌کند.
به باور کانت طرف‌های جنگ در زمان جنگ می‌بایست به قواعد اخلاقی و حقوقی حاکم در دوران جنگ پای بند باشند و از استخدام آدم‌کشی‌ها، مسموم نمودن و کشتن شهروندان عادی و نقض پیمان تسلیم، بپرهیزند. در صورت انجام چنین رفتارهایی اعتماد متقابل پس از معاهده صلح دشوار است.

در ادامه، کانت سه رکن بنیادین را در تحقق صلح پایدار، بر این پیش‌شرط‌ها می‌افزاید. این ارکان عبارت‌اند از:
۱. قانون اساسی شهروندی در هر کشور، می‌بایست جمهوری باشد.
۲. حقوق ملت‌ها می‌بایست بر شالوده فدرالیسمی از دولت‌های آزاد استوار گردد.
۳. حق جهان‌شهری، به شرایط میزبانی یا مهمان‌نوازی جهانی محدود می‌باشد.

از دیدگاه کانت حکومت جمهوری نوع حکومتی است که در آن قانون، محور زنده‌گی انسان‌ها است. این نوع حکومت، صلح پایدار جهانی را تضمین می‌کند. ایجاد حکومت جمهوری بر اساس یک قانون اساسی، حاکی از این است که افراد به حکم عقل عملی خود، یک قرارداد اجتماعی را پذیرفته‌اند. این نظام تبلور اراده عمومی همه‌گان است. جمهوری بر سه بنیاد استوار است:

۱. اصل آزادی برای تمام اعضای جامعه به عنوان انسان
۲. تعلق همه افراد به یک قانون واحد به عنوان اتباع
۳. اصل برابری قانونی برای هر فرد به عنوان شهروند.

بنا بر این، رعایت حقوق بشر و حقوق شهروندی مبتنی بر تعلق سیاسی به دولت، هر دو از بنیان‌های نظام جمهوری به شمار می‌آیند.
صلح پایدار بدون برپایی نظام جمهوری، که در آن قوای سه گانه مقنن، اجرایی، و قضایی دارای استقلال هستند، تحقق نمی‌یابد.

نکته: آخرین پیش‌زمینه صلح پایدار کانت در افغانستان، در شرایط کنونی کاملاً محسوس و مشهود است. طالبان با انجام جنایات جنگی بی‌شمار اعتماد پس از صلح را سخت و دشوار ساخته‌اند. چنان‌که جنایات جنگی طالبان به صورت خاص در ولایت‌های کابل، بلخ، بدخشان، کندز، تخار، بغلان، غزنی، سرپل و فراه، و به صورت عام در کل افغانستان فراموش ناشدنی است. طالبان به بهانه هدف قرار دادن نیروهای امنیتی حکومت افغانستان، شهروندان عادی و افراد غیر نظامی را کشته‌اند، و در برخی از مناطق جغرافیایی خاص، به طور آشکار به نسل کشی پرداخته‌اند، که این جنایات در تاریخ این کشور ثبت شده است. بنا بر این، این جنایات طالبان در افغانستان، اعتماد پس از معاهده صلح را دشوار می‌سازد، اما اصولاً ناممکن نیست. رفتار سیاسی طالبان پس از امضای معاهده صلح بسیار مهم‌تر از رفتار آن‌ها قبل از معاهده صلح است.

دزدی در روز روشن

سمیرا سادات

مثل همیشه، زمان خروج از دفتر از جوی‌شیر رد می‌شدم. در ابتدای کوچه اهالی منطقه که توان پیاده‌روی را ندارند ایستاد می‌شوند تا موتری برایشان ایستاد شده و محض رضای خدا، آنان را به مقصد برساند.
در اکثر اوقات اطفال و کودکان را سوار می‌کنم. آن روز هم بر حسب اتفاق زنی با لباس بلند سبزرنگ و کرتی کرمی رنگ کنار دیوار روی سنگی منتظر موتر نشسته بود. به راننده‌ام گفتم: این خانم را سوار کن. زن با عجله در را باز کرد و کنارم نشست. خسته‌گی از چهره‌ی رنگ پریده‌اش نمایان بود. لبخند زدم و گفتم خسته‌ای؟ چند ثانیه مکث کرد و گفت: دزدها تمام دار و ندارم را برده است. سپس شروع کرد به گریه کردن. میان هق‌هق‌هایش گفت: کارمند یکی از بانک‌های خصوصی است و بعد از مدت‌ها دونده‌گی توانسته ۲۰ هزار افغانی از بانک مربوطه‌اش قرضه‌ای را دریافت کند. پول را گرفته و خواسته زودتر به خانه برسد. اولین موتر تونس را سوار می‌شود و در چوکی اول پشت سر راننده می‌نشیند. خانمی با صورت پوشانده و با حجاب در سیت آخر تنها نشسته بود. راننده از او می‌خواهد که به کنار زن دیگر در سیت آخر برود که با مخالفت وی مواجه می‌شود.
در مسیر راه مردی کنار او در همان سیت می‌نشیند و ناگهان زن از پشت سر دستمالی را به دور گردنش می‌اندازد و در این فرصت مرد کیفش را خالی می‌کند. زن هم‌دست با دزدان دست به گردنش می‌اندازد تا مطمین شود گردن‌بندی در گردنش نیست. چوری‌هایش را از دستش می‌کشند و از او می‌خواهند چک پول را به آن‌ها بدهد. زن قسَم می‌خورَد که تا به حال چک پول را ندیده است و پولی که در کیفش هست، قرضه‌ای است که از بانک گرفته است.
زن می‌گوید: به پوسته‌ی پولیس رسیدیم. سلام را کنار کمرم فشار داد و گفت: اگر صدایت را بکشی، با تفنگ بی‌صدا می‌کشمت. از ترس زبانم بند آمده بود و سکوت اختیار کردم. از پوسته که دور شدیم سرعت موتر را کم کرد و مرا به بیرون پایین انداختند.
داخل جوی کنار سرک افتادم و برای چند دقیقه‌ای سر جایم نشستم. نمی‌دانستم کجا هستم با صدای بلند داد زدم: دزد دزد دزد! تونس دزدان در میان موترها با سرعت حرکت کرد و تمام داروندار مرا در روز روشن از پیش چشم پولیس و مردم برد. دستش را فشردم و برایش کمی آب دادم و تا مقصدش رساندیم و زن با حالتی غمگین راهی خانه‌اش شد.
اوضاع بد و نابهنجار امنیتی و دزدی‌های این‌چنینی این روزها در سطح شهر افزایش یافته و دیگر هیچ‌کسی خودش را در کوچه و خیابان مصون حس نمی‌کند. مسوولان امنیتی باید در راستای امنیت در شهر تدابیر جدی روی دست بگیرند و از جان و مال مردم محافظت کنند.

صبح ۸
روایت دیروز، آئینه امروز، نوید فردا
سال سیزدهم
شماره ۳۴۵۴
سه‌شنبه
۲۲ میزان ۱۳۹۹
۱۳ اکتوبر ۲۰۲۰
قیمت: ۲۰ افغانی

حقوق مخاطب در تبلیغات تجارتی

بخش دوم

مرتضی محقی، استاد دانشگاه و دانشجوی دکتری حقوق خصوصی– murtaza.mohiqi@gmail.com

منابع حقوق مخاطب

اول: منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر

بر اساس مقررات منشور ملل متحد، یکی از اهداف ملل متحد حصول همکاری بین‌المللی برای پیش‌برد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه‌گان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب است. بر مبنای همین اهداف و به عنوان یکی از نخستین دست‌آوردهای ملل متحد است که «اعلامیه جهانی حقوق بشر» در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب مجمع عمومی رسید.

این اعلامیه مهم‌ترین سند حقوق بشری است که در زمان تصویب صرفاً به عنوان اعلامیه اصول تلقی می‌شد اما پس از گذشت چندین دهه، اکنون اهمیت حقوقی آن بسیار زیاد شده است. زبان اعلامیه جهانی حقوق بشر بر خلاف سایر اسناد حقوق بشری، آن چنان ساده و رسا است که عموم مردم می‌توانند آن را بفهمند و رعایت کنند. اعلامیه در حکم قانون اساسی کل جنبش حقوق بشر است و اهمیت نمادین، اخلاقی و عملی دارد. اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، اثر عظیمی بر توسعه حقوق بشر در سطح بین‌المللی و ملی داشته است. تقریباً همه معاهدات حقوق بشری که به وسیله سازمان ملل تصویب شده‌اند، به نوعی حاوی اصول مطرح شده در اعلامیه هستند، کنوانسیون‌های امریکایی و اروپایی حقوق بشر در مقدمه‌های‌شان اعلام می‌کنند که در جهت اجرایی بخشیدن و تنفیذ اصول مطرح شده در اعلامیه تصویب می‌شوند.

ماده یک و دو اعلامیه تاکید می‌کند که تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت حقوق با هم برابر اند و حق دارند از تمام حقوق و کل آزادی‌های مندرج در اعلامیه بهره‌مند شوند. این اعلامیه بدون هیچ گونه تمایز از هر حیث، به ویژه از لحاظ نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا هر عقیده دیگر و هم‌چنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، حقوق اساسی و بنیاد بشر از جمله آزادی بیان و اظهار عقیده را به رسمیت شناخته است.

این اعلامیه انتشار و تبادل آزادانه عقاید و نظرات را از پربهاترین حقوق بشر می‌شمارد و در ماده ۱۹ تاکید می‌کند: «هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد و این حق مستلزم آن است که کسی از داشتن عقیده خود بیم و نگرانی نداشته باشد و در کسب و دریافت و انتشار اطلاعات و افکار به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.» چنان‌که از این ماده پیدا است، این ماده به یکی از حقوق مخاطبان که آزادی بیان و عقیده است، به صراحت بیان کرده است.

حق احترام به حریم خصوصی طبق ماده هشت اعلامیه جهانی حقوق بشر: «در برابر اعمالی که به حقوق اساسی فرد تجاوز کنند حقوقی که قانون اساسی یا قوانین دیگر برای او به رسمیت شناخته است، هر شخصی حق مراجعه موثر به محاکم ملی صالح را دارد.» و طبق ماده ۱۰: «هر شخصی با مساوات کامل حق دارد که دعوایش در محکمه‌ای مستقل و بی‌طرف، منصفانه و علنی رسیده‌گی شود و چنین محکمه‌ای در مورد حقوق و الزامات وی یا هر اتهام جزایی که به او زده شده باشد، تصمیم بگیرد.»

از این ماده می‌توان حق دفاع و پاسخگویی برای مخاطبان را استنباط کرد، چرا که اگر رسانه‌ای از اعمال این حق مخاطب امتناع کرد، اشخاص می‌توانند به وسیله محاکم صالح حقوق‌شان را استیفا کنند. هم‌چنین ماده ۱۲ به صراحت از حق حریم خصوصی از اشخاص دفاع کرده که بدین شرح است: «نباید در زنده‌گی خصوصی، امور خانواده‌گی، اقامت‌گاه یا مکاتبات هیچ‌کس مداخله‌های خودسرانه صورت گیرد یا به شرافت و آبرو و شهرت کسی حمله شود، در چنین مداخله‌ها و حمله‌هایی، برخورداری از حمایت قانون، حق هر شخص است.» قابل ذکر است در بند دوم ماده‌ی ۲۷ از منافع مادی و معنایی آثار علمی، ادبی یا هنری اشخاص در برابر سوء استفاده‌های احتمالی دفاع شده است.

دوم: اعلامیه کنفرانس عمومی یونسکو

یکی از مهم‌ترین سندهای بین‌المللی مصوب کنفرانس عمومی (یونسکو) در مورد نقش وسایل جمعی در جهت تحکیم صلح و تفاهم جهانی، اعلامیه‌ای است که پس از شش سال تلاش و مذاکره و مناقشه، بین نماینده‌گان دولت‌های یونسکو در جریان بیستمین اجلاسیه کنفرانس مذکور در ۲۸ نوامبر ۱۹۷۸ به تصویب رسید. این اعلامیه در واقع اصول کلی کاربرد ارتباطات جمعی در روابط بین‌المللی را در برمی‌گیرد. این اعلامیه دارای یک مقدمه و ۱۱ ماده است. تأکیدهای پیاپی مقدمه اعلامیه در مورد هدف‌ها و اصول منشور ملل متحد، اساس‌نامه یونسکو، اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، عهدنامه‌های بین‌المللی طرد تبعیض نژادی و طرد تبعیض جنسیتی و اعلامیه‌ها و قطع‌نامه‌های مصوب مجمع عمومی ملل متحد و نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد راجع به پیش‌برد آرمان‌های صلح و احترام متقابل و تفاهم ملت‌ها در میان جوانان، محکومیت تبلیغ علیه صلح و به سود جنگ، اهمیت ویژه این اعلامیه در مورد چگونه‌گی استفاده از وسایل ارتباط جمعی در روابط بین‌المللی را مشخص می‌سازند. در ماده دوم اعلامیه هم پس از تاکید بر نقش آزادی عقیده و بیان و اطلاعات بر تحکیم صلح و تفاهم بین‌المللی، بر اهمیت فعالیت‌های وسایل جمعی در حفظ صلح و پیش‌برد حقوق بشر تکیه شده است.

> **یکی از مهم‌ترین سندهای بین‌المللی مصوب کنفرانس عمومی (یونسکو) در مورد نقش وسایل جمعی در جهت تحکیم صلح و تفاهم جهانی، اعلامیه‌ای است که پس از شش سال تلاش و مذاکره و مناقشه، بین نماینده‌گان دولت‌های یونسکو در جریان بیستمین اجلاسیه کنفرانس مذکور در ۲۸ نوامبر ۱۹۷۸ به تصویب رسید.**

طی پنج سال نشست مشورتی با حضور تعدادی از سازمان‌های روزنامه‌نگاری منطقه‌ای و بین‌المللی در سال ۱۹۸۳ در یونسکو تصویب شد؛ این اصول که با نظر و اعتقاد بسیاری از روزنامه‌نگاران، خبرنگاران و حقوق‌دانان تهیه شد، امروزه در بسیاری از کشورها عنوان سنگ پایه‌ای برای تهیه قوانین اخلاقی در سطوح ملی و منطقه‌ای محسوب می‌شود. در اصل اول این سند بر حق مردم در دست‌یابی به اطلاعات تحقیقی تأکید شده است. هم‌چنین اصل ششم، حق احترام به حریم خصوصی و شوون انسانی را متذکر شده که بدین شرح است: «احترام به حق فردی، حفظ حریم و اسرار خصوصی و شوون انسانی که با قوانین ملی و بین‌المللی مربوط به حفظ حقوق و شهرت افراد، تهمت، توهین و مخدوش کردن شهرت افراد، هم‌آهنگ است، بخشی جدانشدنی از معیارهای حرفه‌ای روزنامه‌نگار محسوب می‌شود.»

ادامه دارد...

«احترام به حقوق بشر باید مبنای گفت‌وگوهای صلح باشد»

گفت‌وگوی شبکه‌ی جامعه‌ی مدنی و حقوق بشر با عمر احمد پروانی، فعال مدنی

از جمله مواردی که فعالان جامعه‌ی مدنی و حقوق زن به عنوان موضوعات مهم و اساسی مورد بحث در گفت‌وگوهای صلح همواره به آن تاکید کرده‌اند، موضوع حفظ حقوق اساسی شهروندان است. به باور این فعالان، گفت‌وگوهای صلح باید بر مبنای احترام به حقوق بشر باشد.

عمراحمد پروانی، فعال مدنی، در گفت‌وگویی با شبکه‌ی جامعه‌ی مدنی و حقوق بشر (شبکه) می‌گوید، حفظ حقوق اساسی مردم باید خط سرخ دولت باشد و گفت‌وگوها باید متکی به پذیرفتن حقوق غیر قابل انکار شهروندان باشد. «حفظ حقوق اساسی شهروندان که در قانون اساسی گنجانده شده برای آزادی بیان و اندیشه، حق تحصیل و حق انتخاب شغل است. فکر می‌کنم سندی کامل‌تر از این نیست که مبنای گفت‌وگوها احترام به حقوق بشر باشد.»

شبکه: با این وجود، ارزیابی شما از گفت‌وگوهای صلح چیست؟

پروانی: گفت‌وگو در نفس خود بسیار خوب است، استفاده از مذاکرات به جای تفنگ و ریختن خون اقدام خوبی است. از سوی دیگر برای طالبان نیز باید فرصتی فراهم شود تا خواسته‌های خود را در میان بگذارند. حتی اگر گفت‌وگوها به نتیجه نرسد، امیدواریم که تجارت ناشی از آن در رفتار و باورهای دو طرف تغییر ایجاد می‌کند.

شبکه: حضور زنان در روند صلح چه تاثیری بر این روند دارد؟

پروانی: حضور زنان، به ویژه بانوان با سواد و با سابقه در ترکیب هیئت گفت‌وگوکننده‌ی دولت، آن هم در حالتی که در تیم گفت‌وگوکننده‌ی طالبان هیچ بانویی نیست، دو پیام می‌تواند داشته باشد؛ نخست این‌که زنان به عنوان نیمی از جمعیت کشور باید در چنین رویداد مهمی حضور داشته باشند و دیگر این‌که عدم حضور نماینده‌گان زن در تیم طالبان یکی از نکات منفی برای آنان است و نشان می‌دهد که آنان نیمی از جمعیت کشور را در حدی نمی‌دانند که بتوانند در چنین نشست‌هایی حضور یابند و از حقوق خود دفاع کنند. به هر صورت نماینده‌گان زن می‌توانند خواسته‌ها و دست‌آوردها و تغییراتی که در بخش حقوق و آزادی‌های‌شان آمده است را به طالبان تفهیم و این پیام را به آنان منتقل کنند که زنان افغانستان در حدی استند که بتوانند در کنار مردان برای صلح گفت‌وگو و با صدای بلند از حق خود و هم‌نوعان‌شان دفاع کنند. این اتفاق خوب را به فال نیک می‌گیریم.

شبکه: به نظر شما تیم مذاکره‌کننده ظرفیت و آمادگی لازم برای دفاع از حقوق زنان را دارد؟

پروانی: اگر هیئت مذاکره‌کننده با مشورت و هم‌آهنگی با نهادهایی چون وزارت صلح، شورای عالی مصالحه و ده‌ها نهاد مدنی که به شکل رضاکار برای صلح کار می‌کنند پیش برود، تاثیر بیش‌تری خواهد داشت. اعضای تیم مذاکره‌کننده به جز چندتن‌شان که بر اساس سلیقه‌ی سیاسی انتخاب شده‌اند، افرادی‌اند که در مذاکره توانا استند و دانش و آگاهی کافی از تاریخ صد سال گذشته‌ی کشور، به ویژه چهار دهه‌ی اخیر دارند و می‌توان روی دانش آنان حساب کرد، با این وجود اگر همه‌چیز منحصر به تیم مذاکره‌کننده باشد، فکر نمی‌کنم کافی باشد و اعضای تیم باید با نهادهای همکار در هم‌آهنگی باشند.

شبکه: به نظر شما حضور طالبان چه تاثیری بر فعالیت زنان در جامعه خواهد گذاشت؟

پروانی: حضور طالبان در قدرت بستگی به دو سند و دو نوع واکنش دارد؛ منظور از دو سند، اول سند امضا شده بین طالبان و امریکا است و دومی سندی است که بین طالبان و دولت جمهوری اسلامی افغانستان به امضا می‌رسد. دو نوع واکنش نیز، عبارت از واکنش جامعه‌ی مدنی، یکی در جریان مذاکرات و دیگری پس از امضای توافق می‌باشد. این‌ها تعیین می‌کند که طالبان چه تاثیری بر نقش زنان در جامعه خواهند گذاشت. اگر ما به عنوان فعالان جامعه‌ی مدنی سکوت کنیم، مطمئنا خواسته‌های تندروانه و محدودکننده‌ی طالبان تحقق خواهد یافت. به نظر من در صورت وجود مقاومت و انسجام در میان نیروهای آزادی‌طلب، طالبان نمی‌توانند تاثیر چندانی داشته باشند؛ چون اکنون آنان با محیط‌های شهری و میلیونی مواجه‌اند، هزاران تن از شهروندان به صفحات اجتماعی دسترسی دارند و رسانه‌ها نیز در جامعه فعالیت دارند، اما اگر مذاکرات به درستی پیش نرود و ما نیز واکنشی نشان ندهیم، امکان این هست که دوباره محدود شویم و یک بخش بزرگ از دست‌آوردهای سال‌های اخیر نادیده گرفته شود.

شبکه: به نظر شما چه تضمینی وجود دارد که طالبان پس از گفت‌وگوهای صلح، بر تعهدات خود پابند بمانند؟

پروانی: برای یک گروه شورشی مثل طالب که سابقه‌ی سرکوب کردن مردم را دارد، هیچ تضمینی وجود ندارد. جوامع غربی، به ویژه امریکا با دادن تعهد به طرف‌های مذاکره‌کننده در مسائل سیاسی، در بسیاری از موارد این مذاکره می‌توانند کمک کنند و این امر می‌تواند به سادگی ممکن شود، اما با این وجود آن‌چه ضامن حفظ آزادی‌ها است بیش‌تر آگاهی ما و همبستگی نیروهای فعال جامعه است که می‌تواند طرف‌ها را تحت فشارهای مدنی قرار بدهد. در نهایت همه چیز بستگی به ما دارد؛ چون جامعه‌ی جهانی در موارد زیادی عملکرد چندگانه داشته است.

به باور آقای پروانی، حکومت افغانستان توانسته است در برابر آن‌چه طرح امارتی طالب بود و طرح صلحی که بیش‌تر یک نمایش سیاسی در داخل خود امریکا است، با استفاده از روایت دفاع از جمهوریت سیاست امریکا را به چالش بکشد و اراده‌ی مردم، به ویژه فعالان مدنی این است که در برابر روایت امارت از جمهوریت دفاع کنند و انتخاب آگاهانه داشته باشند.

یادداشت: *این مطلب توسط شبکه جامعه‌ی مدنی و حقوق بشر تهیه شده است. روزنامه ۸صبح، تنها مسوولیت چاپ و نشر آن را بر عهده دارد.*

Sida
EU AFGHANISTAN PEACE SUPPORT MECHANISM
میکانیزم حمایت اتحادیه اروپا از پروسه صلح افغانستان
د افغانستان د سولې څخه د اروپايي ټولنې د ملاتړ ټکلاره

صبح ۷
روایت دیروز، آئینه امروز، نوید فردا
سال سیزدهم
شماره ۳۴۵۴
سه‌شنبه
۲۲ میزان ۱۳۹۹
۱۳ اکتوبر ۲۰۲۰
قیمت: ۲۰ افغانی

کابینه‌ی جدید هفته‌ی آینده برای گرفتن رای اعتماد به مجلس نماینده‌گان معرفی می‌شود

عبدالاحمد حسینی

حکومت اعلام کرد که هفته‌ی آینده کابینه‌ی جدید را برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس نماینده‌گان معرفی می‌کند. صدیق صدیقی، سخنگوی ریاست جمهوری، با اعلام این موضوع، روز دقیق معرفی این نامزدوزیران به مجلس برای گرفتن رای اعتماد را مشخص نکرد. موضوع معرفی نامزدوزیران به مجلس نماینده‌گان در نشست کابینه که روز دوشنبه، بیست‌ویکم میزان به ریاست محمداشرف غنی، رییس جمهور برگزار شد، نیز مورد بحث قرار گرفته است.

این در حالی است که حکومت برای معرفی نامزدوزیران به مجلس نماینده‌گان، نخست اسناد آنان را به مجلس فرستاده است تا بررسی و سپس برای آنان صندوق رای گذاشته شود. اکنون مجلس نماینده‌گان می‌گوید که روند بررسی اسناد برخی از نامزدوزیران تکمیل شده، اما اسناد برخی دیگر مشکل داشته، هنوز هم زیر بررسی است. اعضای این مجلس می‌افزایند که با تکمیل شدن این روند، آماده‌اند تا برای نامزدوزیران صندوق رای بگذارند.

صدیق صدیقی، سخنگوی ریاست جمهوری، روز دوشنبه، بیست‌ویکم میزان، در یک نشست خبری گفت که حکومت هفته‌ی آینده نامزدویران جدید را برای گرفتن رای اعتماد به مجلس معرفی می‌کند. او اما روز دقیق معرفی نامزدوزیران را مشخص نکرد. با این حال صدیقی ابراز امیدواری کرد که اعضای مجلس نماینده‌گان براساس منافع ملی کشور، به نامزدوزیران رای اعتماد دهند. با این حال، اعضای مجلس نماینده‌گان گفته‌اند که روند بررسی اسناد برخی از نامزدوزیران طی مراحل شده و شماری دیگر نیز با بعضی مشکلات همراه بوده است.

حجت‌الله خردمند، نایب منشی مجلس نماینده‌گان، به روزنامه ۸صبح گفت که روند بررسی اسناد نامزدوزیران هم‌چنان ادامه دارد. او بیان داشت که هرچند بررسی اسناد برخی از نامزدوزیران تکمیل شده، اما اسناد برخی دیگر از نامزدوزیران مشکل داشته، از این رو به کمیسیون‌های مربوطه بیش‌تر وقت داده شده تا این روند را تکمیل کنند. او واضح ساخت که اسناد تحصیلی و تابعیت برخی از نامزدوزیران نقض داشته، از این رو کمیسیون‌های مجلس به نهادهای مربوطه مکتوب فرستاده‌اند تا در این مورد وضاحت دهند. اما به گفته‌ی او تاکنون جواب این مکتوب‌ها به مجلس نماینده‌گان فرستاده نشده است. با این‌همه، نایب منشی مجلس نماینده‌گان تصریح کرد، در صورتی که مشکلات اسناد این نامزدوزیران حل نشود و مشخص شود که اسناد تحصیلی این نامزدوزیران مشکل دارد، برای این نامزدوزیران صندوق رأی گذاشته نمی‌شود، زیرا از نظر مجلس این نامزدوزیران «بی‌سواد» محسوب می‌شوند.

این در حالی است که در ماده ۷۲ قانون اساسی در خصوص نامزدوزیر آمده است: «نامزدوزیر باید دارای تحصیلات عالی، تجربه کاری و شهرت نیک باشد و هم‌چنان سن وی از ۳۵ سال کم‌تر نباشد». هم‌چنان در این قانون آمده است که نامزدوزیران باید تنها تابعیت افغانستان را داشته باشند و هرگاه یک نامزدوزیر تابعیت کشور دیگری را داشته باشد، اعضای مجلس نماینده‌گان صلاحیت دارند که وی را رد و یا تأیید کنند. در این قانون تصریح شده که نامزدوزیر باید از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی، محروم نشده باشد.

از سوی دیگر آقای خردمند از تأخیر در معرفی نامزدوزیران به مجلس نماینده‌گان انتقاد کرد. او گفت که بارها اعضای این مجلس از رییس جمهور خواسته‌اند که تمام کابینه را معرفی کند، اما رییس جمهور در این مورد تعلل داشته و هنوز هم برخی از نامزدوزیران را معرفی نکرده است. به گفته‌ی او، نامزدوزیران فواید عامه، انرژی، لوی‌سارنوال تاهنوز معرفی نشده‌اند. وی افزود که بعضی خبرها حاکی از آن است که نامزدوزیر فواید عامه معرفی شده، اما تاکنون کدام سند رسمی به مجلس نماینده‌گان نرسیده است.

در عین حال محمدعلی اخلاقی، عضو کمیسیون امور دینی و فرهنگی مجلس نماینده‌گان، می‌گوید که اسناد شماری از نامزدوزیران زیر بررسی است و اسناد یک تعداد از نامزدوزیران هنوز به مجلس نرسیده است. آقای اخلاقی اما بیان داشت، اسناد برخی از نامزدوزیران که به مجلس رسیده است، کدام مشکل خاصی نداشته است.

از جانب دیگر این عضو کمیسیون امور دینی و فرهنگی گفت که حکومت اسناد شماری از نامزدوزیران را ناقص به مجلس ارایه می‌کند و این سبب شده تا روند بررسی به موقع تکمیل نشود. او گفت: «متاسفانه اسناد نامزدوزیران را ناقص به مجلس روان می‌کنند، باز دوباره باید استعلام شود و این سبب تأخیر شده است.»

در همین حال محمدحنیف فرزان، معاون سخنگوی وزارت تحصیلات عالی، به ۸صبح گفت که اسناد تحصیلی احمدضیا سراج، نامزد ریاست امنیت ملی، قدرت‌الله ذکی، نامزدوزیر وزارت ترانسپورت، مسعود اندرابی، نامزدوزیر وزارت امور داخله، معصومه خاوری، نامزدوزیر وزارت مخابرات تکنولوژی و معلوماتی، محمود کرزی، نامزدوزیر وزارت شهرسازی و اراضی، عبدالهادی ارغندیوال، نامزدوزیر وزارت مالیه، طاهر زهیر، نامزدوزیر وزارت اطلاعات و فرهنگ، اجمل احمدی، نامزد ریاست «د افغانستان بانک»، هارون چخانسوری، نامزدوزیر وزارت معادن و پترولیم، احمدجواد عثمانی، نامزدوزیر وزارت صحت عامه، حسینه صافی، نامزدوزیر وزارت امور زنان، مجیب‌الرحمن کریمی، نامزدوزیر وزارت احیا و انکشاف دهات، اسدالله خالد، نامزدوزیر وزارت امور دفاع و عباس بصیر، نامزدوزیر وزارت تحصیلات عالی بررسی و تأیید شده است. او گفت که از این میان، اسناد هیچ یکی از نامزدوزیران مشکل نداشته است. فرزان تصریح کرد که اسناد شماری از نامزدوزیران تحت پروسس است و هنوز تکمیل نشده است.

گفتنی است که حدود پنج ماه از امضای توافق‌نامه میان رییس جمهور و رییس شورای عالی مصالحه ملی می‌گذرد، اما نامزدوزیران تاکنون برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس نماینده‌گان معرفی نشده‌اند و وزارت‌خانه‌ها توسط سرپرستان اداره می‌شوند؛ کاری که از سوی مجلس غیرقانونی خوانده شده است. شماری از اعضای مجلس نماینده‌گان می‌گویند که براساس قانون سرپرستان، نامزدوزیران نمی‌توانند بیش از سه ماه به عنوان سرپرست کار کنند، زیرا آن‌ها معتقد اند که اداره وزارت‌خانه‌ها توسط سرپرستان، علاوه بر این‌که خلاف حکم قانون است، سبب ترویج فساد و عدم حاکمیت قانون نیز می‌شود.

نقش نماینده‌گی افغانستان در سازمان ملل متحد در ارتقای جایگاه بین‌المللی کشور

سیدسلطان‌علی حسینی

این روزها که مطابق سنت هر ساله سازمان ملل متحد جلسات مجمع عمومی و کمیته‌های مختلف آن برگزار می‌شود، شور و حال خاصی در این سازمان وجود دارد؛ اما به دلیل شیوع ویروس کرونا مانند بسیاری از جلسات و کنفرانس‌های مهم بین‌المللی، برخی جلسات این سازمان به صورت مجازی برگزار می‌شود. به هر صورت آن‌چه مهم است، برآیند این جلسات و چگونه‌گی استفاده‌ی کشورهای مختلف از این فرصت در جهت منافع و ارتقای سطح روابط بین‌المللی‌شان است.

سازمان ملل متحد بزرگ‌ترین سازمان بین‌المللی است که در عرصه جهانی فعالیت دارد. تقریباً تمام کشورها عضویت آن را دارند و سازمان‌های بین‌المللی متعددی را هم در زیرشاخه‌های خود دارد که هم این سازمان و هم سازمان‌های متعدد تابع آن در اکثر کشورها دفتر دارند. به فراخور فعالیت سازمان‌های تابع سازمان ملل که می‌تواند سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، حقوق بشری و امثال آن باشد، این سازمان‌ها براساس نیاز و ضرورت در کشورهای مختلف دفاتر خود را گشوده و فعالیت می‌کنند. از سوی دیگر کشورهای عضو سازمان ملل متحد هم در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک و مقر اروپایی آن در جنیوای سویس دفاتر نماینده‌گی دارند که نماینده‌گان این کشورها تحت نظر وزارت خارجه و به عنوان سفرای آن‌ها در سازمان ملل متحد فعالیت می‌کنند.

نماینده‌گی‌های کشورهای مختلف در سازمان ملل متحد از اهمیت ویژه‌ای در شناساندن بهتر آن‌ها به دیگر کشورها و بیان دیدگاه‌ها و سیاست‌های بین‌المللی‌شان برخوردار اند. هیات‌های نماینده‌گی کشورهای مختلف با حضور در مجمع عمومی و کمیته‌های مختلف سازمان ملل متحد و حضور در جلسات و رای‌زنی‌ها در عرصه‌های مختلف، می‌توانند بخشی از اهداف سیاست خارجی کشورهای متبوع خود را پیش ببرند. نماینده‌گان دایم کشورها در سازمان ملل متحد هم به عنوان سفیران کشورهای متبوع‌شان در این سازمان از جایگاه حقوقی بالایی برخوردار بوده و نقش رابط مستقیم بین کشورهای متبوع خود و این سازمان را بازی می‌کنند، ضمن این‌که به راحتی به نماینده‌گان تمام اعضای ملل متحد دسترسی دارند و این موقعیت به آنان این اجازه را می‌دهد تا به رای‌زنی‌های مستقیم با دبیر کل سازمان ملل و نماینده‌گان دیگر کشورها بپردازند.

افغانستان که پس از حملات یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، مورد توجه ویژه جهان قرار گرفت، هم‌چنان نیاز به توجه و همراهی جامعه جهانی دارد، ضمن این‌که به دنبال ارتقای جایگاه خود در سطح بین‌المللی است. از این رو نقش نماینده‌گی افغانستان در سازمان ملل متحد، از اهمیت خاصی برخوردار است.

ساختار سازمان ملل متحد

سازمان ملل متحد در ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ زمانی که اتحاد جماهیر شوروی، ایالات متحده امریکا، بریتانیا، چین، فرانسه و اکثریت امضاکننده‌گان، منشور ملل متحد را تصویب کردند، رسماً موجودیت پیدا کرد. این سازمان مجموعه‌ای از کشورها (بیش از ۱۹۰ کشور)، یک سند تاسیس (منشور ملل متحد) و شش رکن اصلی یعنی مجمع عمومی، شورای امنیت، دارالانشا، دیوان بین‌المللی دادگستری، شورای اقتصادی و اجتماعی و شورای قیمومیت را شامل می‌شود. بعضی از ارکان اصلی سازمان ملل دارای ارکان فرعی هم می‌باشند.

افغانستان و سازمان ملل متحد

افغانستان در نوامبر سال ۱۹۴۶ میلادی رسماً به عضویت سازمان ملل متحد درآمد و پنجاه‌ودومین عضو خانواده‌ی بزرگ این سازمان شد. از سال‌های آغازین عضویت هم نماینده‌ی خود را برای حضور در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک معرفی کرد. حسین عزیز به نماینده‌گی از افغانستان در روز ۱۹ نوامبر سال ۱۹۴۶ یعنی یک سال پس از آغاز به کار رسمی سازمان ملل متحد، منشور این سازمان را امضا کرد. در همان روز، پرچم افغانستان برای اولین بار در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک به اهتزاز درآمد.

برای نخستین بار محمدکبیر لودین در سال ۱۹۴۹ به عنوان نماینده دایمی افغانستان در سازمان ملل متحد معرفی شد. این سازمان تا زمان اشغال افغانستان توسط قشون سرخ اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۷۹میلادی، نقش و حضور چندانی در افغانستان نداشت؛ اما پس از تهاجم شوروی به خاک افغانستان، با صدور قطع‌نامه‌ای، به تهاجم شوروی اعتراض کرد و نهادهای مختلف این سازمان در افغانستان آغاز به کار کردند. موافقت‌نامه جنیوا که در سال ۱۹۸۸ به امضا رسید و زمینه‌ی خروج نیروهای شوروی را فراهم کرد، نیز نتیجه‌ی تلاش‌های این سازمان بود.

عبدالغفور روان فرهادی، ظاهر طنین، محمود صیقل و عادله راز افرادی‌اند که به عنوان نماینده‌گان افغانستان در سازمان ملل متحد در دوره جدید یعنی از سال ۲۰۰۱ به این سو فعالیت کرده‌اند؛ البته آقای روان فرهادی از سال ۱۹۹۳ این سمت را عهده‌دار شد.

در تاریخ دوم اکتبر سال ۲۰۱۵ میلادی محمود صیقل به عنوان نماینده دایمی افغانستان در سازمان ملل متحد معرفی و جای‌گزین ظاهر طنین نماینده‌ی قبلی شد. او قبلاً معاون وزارت خارجه افغانستان بود.

دفتر نماینده‌گی افغانستان در سازمان ملل متحد در نیویورک، در سوم فبروری سال ۲۰۱۸ با انتشار گزارشی، روند کار و فعالیت‌های این نماینده‌گی طی حدود دوونیم سال قبل از آن را تشریح کرد.

بر اساس این گزارش، این نماینده‌گی با در پیش گرفتن دیپلماسی پویا و ابتکاری، راه را برای جایگاه مناسب افغانستان در مجامع بین‌المللی باز کرد. در نتیجه تلاش‌های این نماینده‌گی دیدارها بین مقام‌های عالی‌رتبه افغانستان و سازمان ملل متحد در اوج خود قرار گرفت که منتج به سفرهای دبیر کل سازمان ملل متحد و اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد به کابل و شرکت رهبران حکومت وحدت ملی در نشست‌های مجمع عمومی در نیویورک و تبادل نظر مثمر بین طرفین شد. افغانستان توانست به طور بی‌سابقه، در یک زمان معاونت مجمع عمومی، عضویت شورای حقوق بشر، عضویت شورای اقتصادی و اجتماعی و عضویت کمیته عمومی مجمع عمومی را به دست آورد. در عین حال معاونت خود را در کمیته فلسطین حفظ کرد. علاوه بر این، افغانستان ریاست جلسات مشورتی پیمان جهانی پناهنده‌گان و مهاجران را نیز برعهده داشته است (در سال ۲۰۱۸ ریاست کمیته سوم مجمع عمومی را نیز برعهده گرفت). از سوی دیگر زمینه‌ی تفاهم نزدیک بین رهبری افغانستان و اعضای شورای امنیت ایجاد شد. سفر هیات شورای امنیت در تاریخ ۱۳-۱۵ جنوری ۲۰۱۸ به کابل و نشست فوق‌العاده این شورا در تاریخ ۱۹ جنوری ۲۰۱۸ در سطح وزرای امور خارجه پیرامون امنیت و توسعه افغانستان و آسیای مرکزی از جمله بزرگ‌ترین رویدادهای مربوط به افغانستان در این شورا و سازمان ملل متحد در چند دهه‌ی اخیر بوده است.

افغانستان طی مدت گفته شده برای اولین بار در تاریخ عضویتش در ملل متحد، دو قطع‌نامه را به صورت مستقل طراحی و بعد از رهبری مذاکرات مربوطه به تصویب مجمع عمومی رساند، به گونه‌ای که در کمیته‌ی اول مجمع عمومی موفق به طرح، پی‌گیری و تصویب قطع‌نامه‌ی «مقابله با تهدید ناشی از مواد انفجاری تعبیه شده» شد. در کمیته‌ی سوم هم یک قطع‌نامه‌ی جدید تحت عنوان «روز بین‌المللی یادآوری و قدردانی از قربانیان تروریزم» را طراحی کرد و با حمایت (co-sponsorship) بیش از ۹۵ کشور جهان به اتفاق آرا به تصویب رساند.

نماینده‌ی کنونی

دولت افغانستان در دهم جدی ۱۳۹۷ برابر با ۳۱ دسامبر ۲۰۱۸ عادله راز، معین سابق وزارت امور خارجه را به عنوان نماینده‌ی دایمی افغانستان در سازمان ملل منصوب کرد.

عادله راز اولین زنی است که از افغانستان برای نماینده‌گی از این کشور در سازمان ملل منصوب شده است.

در ۲۹ مارچ ۲۰۱۹ وی به اتفاق آرا به عنوان معاون کمیته‌ی اعمال حقوق تخطی‌ناپذیر مردم فلسطین (CEIRPP) انتخاب شد.

در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰ نماینده‌گی دایمی افغانستان در سازمان ملل متحد اعلام کرد که افغانستان برای نخستین بار عضویت «کمیسیون وضعیت زنان سازمان ملل متحد» را برای یک دوره‌ی چهارساله از ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۵ به دست آورده است. این کمیسیون بررسی وضعیت زنان در جهان را برعهده دارد.

خانم راز و همکارانش هم فعالیت‌های درخور توجهی برای پیش‌برد اهداف سیاست خارجی افغانستان در این سازمان داشته‌اند و با توجه به این فعالیت‌ها و نتایج حاصل از آن، می‌توان گفت: در صورتی که چنین روند فعال در نماینده‌گی افغانستان در سازمان ملل متحد هم‌چنان مد نظر باشد، به سیاست خارجی فعال و پویای افغانستان کمک خواهد کرد، هرچند هنوز جای فعالیت بسیاری در این بستر وجود دارد.

فهرست نماینده‌گان دایمی افغانستان در سازمان ملل متحد از زمان عضویت این کشور در این سازمان

ردیف	نماینده‌ی دایمی افغانستان در سازمان ملل متحد	شروع به کار	دبیر کل وقت سازمان ملل	فرمان‌روای وقت افغانستان
1	محمدکبیر لودین	1949	تریگوه لی	محمدظاهرشاه
2	عبدالحمید عزیز	1950	تریگوه لی	محمدظاهرشاه
3	عبدالرحمن پژواک	1958	داگ هامرشولد، او تانت، کورت والدهایم	محمدظاهرشاه، محمدداوودخان
4	بسم‌الله سهاک	1979	کورت والدهایم	نورمحمد تره‌کی
5	فرید ظریف	1981	کورت والدهایم	ببرک کارمل
6	شاه‌محمد دوست	1987	خاویر پرز دکوئیار	محمدنجیب‌الله
7	نوراحمد نور	1989	خاویر پرز دکوئیار	محمدنجیب‌الله
8	خداداد بشرمل	1991	خاویر پرز دکوئیار، پطرس غالی	محمدنجیب‌الله
9	عبدالغفور روان فرهادی	1993	پطرس غالی، کوفی عنان	برهان‌الدین ربانی، حامد کرزی
10	ظاهر طنین	2006	کوفی عنان، بان کی‌مون	حامد کرزی
11	محمود صیقل	2015	بان کی مون، آنتونیو گوترش	محمداشرف غنی
12	عادله راز	2018	آنتونیوگوترش	محمداشرف غنی

منابع

۱. ساموئل جی. بارکین (۱۳۹۳)، سازمان‌های بین‌المللی؛ تیوری‌ها و نهادها، ترجمه‌ی مصطفی انتظار المهدی و عبدالمجید سیفی، تهران: انتشارات کویر.
۲. سازمان ملل متحد (۱۳۷۴)، واقعیت‌های اساسی درباره سازمان ملل متحد، ترجمه قدرت‌الله معمارزاده، تهران: انتشارات کتاب سرا.
۳. وب‌سایت نماینده‌گی افغانستان در سازمان ملل متحد.
۴. صفحه‌ی فیس‌بوک دفتر نماینده‌گی افغانستان در سازمان ملل متحد.
۵. وب‌سایت ریاست اجرایی حکومت وحدت ملی افغانستان.

۸صبح
روایت دیروز، آئینه امروز، نوید فردا
سال سیزدهم
شماره ۳۴۵۴
سه‌شنبه
۲۲ میزان ۱۳۹۹
۱۳ اکتوبر ۲۰۲۰
قیمت: ۲۰ افغانی

صف انتظار مردم مقابل سفارت پاکستان؛

چرا مشکل ویزا حل نمی‌شود؟

رضا مرادی

دریافت ویزای پاکستان در این روزها همانند گذشتن از هفت خوان رستم است. متقاضیان ویزا باید روزها و شب‌ها را پشت در سفارت پاکستان بگذرانند تا ویزا دریافت کنند. هرچند با سفر عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه ملی به پاکستان، این کشور وعده سپرده بود که در روند توزیع ویزا سهولت ایجاد می‌کند، اما طوری که دیده می‌شود، کدام تغییری در روند توزیع ویزا نیامده است و متقاضیان هم‌چنان در صف‌های طولانی منتظر دریافت ویزا می‌مانند. این متقاضیان با شکایت از روند توزیع ویزا می‌گویند که اخاذی پولیس و فعالیت کمیشن‌کاران سبب شده که این روند با چالش روبه‌رو شود؛ زیرا آنان در بدل پول به متقاضیان کمک می‌کنند تا ویزای‌شان را زودتر دریافت کنند. از سویی هم متقاضیان ویزا به دلیل دخالت پولیس و کمیشن‌کاران در روند توزیع ویزا، روز دوشنبه، بیست‌ویکم میزان، در کارته‌ی پروان دست به تظاهرات زدند و برای ساعتی جریان ترافیک را مسدود کردند. این تظاهرات اما با دخالت پولیس به پایان رسید و متقاضیان ویزا متفرق شدند. در همین حال پولیس کابل کمیشن‌کاری پولیس را رد می‌کند و می‌گوید که این سربازان تنها برای تأمین امنیت و برقراری نظم، مصروف خدمت‌اند.

روزانه هزاران تن از شهروندان کشور برای دریافت ویزای پاکستان، پشت دروازه‌ی این سفارت در کابل صف می‌بندند، اما این سفارت حدود یک هزار الی یک هزار و ۵۰۰ ویزا توزیع می‌کند. این شمار اما برای شمار متقاضیان بسنده نیست. به گفته‌ی متقاضیان ویزا، سفارت پاکستان باید صدور ویزا را بیش‌تر و در عین حال شفاف سازد. هم‌چنان آنان از وزارت امور داخله خواستند که جلو کمیشن‌کاران و پولیس‌هایی که در بدلِ ویزا اخاذی می‌کنند را بگیرد.

دُرگُل از ولایت جلال‌آباد برای دریافت ویزای پاکستان به کابل آمده است. او که ۶۵ سال سن دارد، می‌گوید هشت شبانه‌روز است که برای تداوی گُرده‌اش در پاکستان، به سفارت این کشور درخواست ویزا داده است، اما هنوز موفق به دریافت آن نشده است. او که شب و روز را در کنار سفارت پاکستان سپری می‌کند، از برخورد پولیس شاکی است. او می‌گوید که پولیس و کمیشن‌کاران از متقاضیان ویزای پاکستان پول می‌گیرند و در بدل آن ویزای این کشور را می‌دهند. او گفت: «در این‌جا اگر پول داشته باشی، ویزه زود گیر می‌آید، اما اگر پول نداشته باشی، مجبور هستی که چندین روز را منتظر بنشینی تا ویزه دریافت کنی. کمیشن‌کار و پولیس کل‌شان پول می‌گیرند. از هر پاسپورت شش تا ده هزار افغانی می‌گیرند. ما که پول نداریم، روزها است که منتظر هستیم، اما نوبت نمی‌رسد.»

محمدولی از ولایت لوگر است. او می‌گوید پنج شبانه‌روز است که انتظار دریافت ویزای پاکستان را می‌کشد، اما به دلیل فعالیت کمیشن‌کاران و پولیس، تاهنوز موفق به دریافت ویزا نشده است. او می‌افزاید که پولیس و کمیشن‌کاران در بدل هر پاسپورت پنج تا پانزده هزار افغانی اخذ می‌کنند و نوبت ویزای پاکستان را می‌گیرند. او گفت: «غریب هستم و مزدوری می‌کنم. روز در صف منتظر می‌نشینم تا نزدیک دروازه می‌رسیم، اما ساعت کاری تمام و دروازه سفارت بسته می‌شود. پنج شبانه‌روز است که این‌جا منتظر هستم، اما نوبت نرسیده است. این‌جا به صورت بی‌قانونی، زیاد ویزه گرفته می‌شود. شماری که پول دارند، به پولیس و کمیشن‌کار می‌دهند، کارشان زودتر حل می‌شود. ما که پول نداریم، منتظر مانده‌ایم.»

نقیب‌الله از متقاضیان دیگر ویزای پاکستان است. او می‌گوید که چالش عمده فراروی دریافت ویزا، کارهای غیرقانونی پولیس و فعالیت کمیشن‌کاران است. به گفته‌ی او، اگر به صورت قانونی به نوبت ویزا توزیع شود، اکثر متقاضیان به زودترین فرصت آن را دریافت می‌کنند. اما به گفته‌ی او، از آن‌جایی که پولیس و کمیشن‌کاران در بدل پول ویزای پاکستان را می‌گیرند، این روند دچار مشکل شده است. او گفت: «کمیشن‌کاران و پولیس‌ها در یک شبانه‌روز چهل لگ افغانی درآمد دارند.»

از جانب دیگر او یادآور شد که اکثر وقت‌ها به دلیل بی‌قانونی شماری از سر دیوار به داخل حیاط سفارت پاکستان داخل می‌شوند که این کار سبب زخمی شدن و حتا مرگ دو تن از متقاضیان ویزا شده است. او هم‌چنان از رویه خشن پولیس و مسوولان این سفارت انتقاد کرد. نقیب‌الله گفت که پولیس با متقاضیان ویزا بدرفتاری می‌کند و گاهی شماری از متقاضیان ویزا را در تشناب‌ها برای مدت کوتاهی حبس می‌کند. او از وزارت امور داخله خواست که جلو این بی‌قانونی‌ها را بگیرد تا متقاضیان ویزا بتوانند بدون پرداخت هزینه و راحت‌تر ویزا دریافت کنند.

در همین حال نهادهای امنیتی اخاذی توسط پولیس را رد می‌کنند و می‌گویند که پولیس برای تأمین امنیت در سفارت پاکستان مصروف انجام وظیفه است. فردوس فرامرز، سخنگوی پولیس کابل، در صحبت با روزنامه ۸صبح گفت که پولیس در بخش ویزا کدام نقشی ندارد، بلکه صرف در جهت تأمین نظم و امنیت این سفارت مصروف خدمت است. او گفت در صورتی که متقاضیان اسنادی مبنی بر اخاذی پولیس در دست داشته باشند و بتوانند کارهای غیرقانونی پولیس را اثبات کنند، قوماندانی امنیه کابل به موقع اقدام خواهد کرد. او برای این‌که شکایت‌کننده‌گان بتوانند شکایت‌شان را درج کنند، گفت که آنان می‌توانند به شماره‌های (۰۷۰۰۵۸۸۰۷۴- ۰۷۹۱۲۳۰۹۰۱ و ۰۲۰۲۳۱۲۳۵۴) به تماس شوند و یا اسنادشان مبنی بر کمیشن‌کاری پولیس را ارسال کنند تا پولیس به موقع اقدام کند.

آقای فرامرز اما فعالیت کمیشن‌کاران در این سفارت را رد نکرد. سخنگوی پولیس کابل گفت که پیش از این نیز شماری از کمیشن‌کاران از این ساحه بازداشت و به نهادهای عدلی و قضایی معرفی شده‌اند. او گفت که پولیس کابل متعهد به شناسایی و بازداشت این کمیشن‌کاران است.

گفتنی است که ویزای پاکستان به شمول کابل، از طریق قونسل‌گری‌های این کشور در ولایت‌های جلال‌آباد، قندهار، هرات و مزار شریف نیز صادر می‌شود. در حال حاضر هرچند سفارت پاکستان حدود یک هزار و ۵۰۰ ویزا برای مراجعه‌کننده‌گان صادر می‌کند، اما متقاضیان این رقم را بسنده نمی‌دانند.

نسل نو افغانستان و فرصت‌های از دست رفته

فردوس آریایی

افغانستان جزو جوان‌ترین کشورهای جوان به شمار می‌رود؛ کشوری که بیش‌تر از شصت درصد جمعیتش را جوانان تشکیل می‌دهند. این نسل در درازنای تاریخ، همواره نقش برازنده‌ای نیز بازی کرده‌اند. پس از فروپاشی رژیم طالبان و ایجاد دولت مبتنی بر مردم‌سالاری، تصور می‌شد که نسل برآمده از دل دموکراسی و آزادی‌های شهروندی بتوانند کشتی شکسته‌ی افغانستان را به سرمنزل مقصود برسانند. از سال ۲۰۰۱ بدین سو دریچه‌ای به سوی آزادی، اعتراض و نقد برای این نسل باز شد. با این حال، حکومت در این زمینه از احتیاط کامل کار می‌گرفت تا این نسل با استفاده از موقع و فضای باز و با الهام از کشورهای خاورمیانه و بهار عربی، دست به براندازی نظام نزنند. از سوی دیگر، دست‌اندرکاران نظام سیاسی، ساختار حکومت را طوری ساختند که هر که تحت هر شرایطی زبان به انتقاد و نقد نظام سیاسی می‌گشود، به نحوی از انحا دستش از نظام و مزایای آن کوتاه می‌شد و آنانی هم که هوای قدرت در سرشان می‌زد، نه تنها در برابر رفتار و اعمال غیردموکراتیک و کج‌روانه‌ی دولت‌مداران سکوت می‌کردند، بلکه در بسا موارد آن رفتارها را توجیه نیز می‌کردند.

در این سال‌ها نیمی از عمر جوانان کشور، در اعتراض و تظاهرات سپری شد. اتفاقات سیاسی و امنیتی در این کشور به حدی گسترده بود که پرونده‌ی یک حادثه ناتمام می‌ماند، اما حادثه‌ای دیگر از راه می‌رسید. اما هرچه بود، نسل جوان کشور طی یک‌ونیم دهه میدان تظاهرات و اعتراض مدنی را خالی نکردند و همیشه و همه‌جا حضورشان پررنگ بود و اعتراض می‌کردند تا نشان بدهند که هستند.

با شکل‌گیری حکومت وحدت ملی به رهبری محمداشرف غنی و عبدالله عبدالله، موج عدالت‌خواهی بیش‌تر و بیش‌تر شد. کشتار سربازان نیروهای امنیتی کشور، سقوط برخی از ولایت‌ها به دست طالبان، انفجارهای مرگبار در پایتخت، سربریدن شهروندان کشور به بهانه‌های قومی و مذهبی، تقلب‌های گسترده‌ی انتخاباتی، تبعیض و بی‌عدالتی قومی و زبانی اتفاقاتی بود که در زمان این حکومت افتاد. این اتفاقات، نسل جوان را روزبه‌روز به میدان اعتراض می‌آورد؛ چون جوانان می‌دانستند که رفتار و گفتار حاکمان در مغایرت با مردم‌سالاری و نظام‌های دموکراتیک قرار دارد. اما سوگ‌مندانه باید گفت که حکومت وحدت ملی بارها جلو مظاهره‌کننده‌گان را که فقط با استفاده از فضای باز و دموکراسی به میدان می‌آمدند، با هشدار و تهدید گرفت؛ با این حال آن‌ها جسورتر از گذشته به مبارزات مدنی‌شان ادامه دادند. تا این‌که چندین تظاهرات آن‌ها مورد حمله‌ی سربازان نیروهای امنیتی و حتا انفجار مرگ‌بار قرار گرفت. با این رفتارها، این نسل امیدش را کلاً از دست دادند و میدان فزیکی را رها کردند. آن‌ها همه به شبکه‌های اجتماعی روی آوردند تا شاهد تحقق عدالت و تأمین قانون به گونه‌ی یکسان در کشور باشند. از سوی دیگر، بسیاری از نخبه‌گان این نسل در برابر همه‌ی اتفاقات مهر سکوت بر دهان زدند و چشم به دستگاه قدرت دوختند تا سهمی در دستگاه سیاسی نصیب‌شان شود. آن‌ها وقتی دیدند که حکومت تن به کج‌روی داده است و عوضی راه می‌رود، چیزی نگفتند. وقتی دیدند که دموکراسی تبدیل به ابزار سلطه‌ی یک گروه خاص شده است، سکوت کردند، چیزی ننوشتند و نگفتند. وقتی دیدند که طالبان را بزرگ‌نمایی می‌کنند و حتا آن‌ها را دشمن تعریف نمی‌کنند، سکوت کردند. امروز که طالبان از حد یک گروه شورشی بالا برده شده و مشروعیت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای گرفته است، بسیاری از همین دست آدم‌ها، دست‌وپاچه شده‌اند. اما سوال این است که چرا طی نوزده سال شما نتوانستید یک گروه هم‌دست و همراه را ایجاد کنید تا در راستای نهادینه کردن دموکراسی و آزادی‌های شهروندی در کشور مبارزه کند؟ آن‌ها همه‌چیز را به چشم سر می‌دیدند، ولی از این‌که چشم به خوان قدرت دوخته بودند، حرف مطابق میل قدرت‌مندان می‌گفتند و نان به نرخ روز می‌خوردند. آن‌ها آن‌قدر غره‌ی حضور امریکایی‌ها شده بودند که فکر می‌کردند نیروهای امریکایی همیشه این‌جا می‌مانند و طالبان فقط یک گروه کوچک شورشی بیش نیستند؛ اما سیاست‌های ناکام حاکم بر افغانستان در تبانی با قدرت‌های بیرونی، باعث شد که امروز شاهد برگشتن آن‌ها در قدرت باشیم.

وقتی تاریخ کشورهای توسعه‌یافته جهان به ویژه امریکا و فرانسه را می‌خوانیم، می‌بینیم که چطور یک نسل آگاه و روشن‌گر در یک دوره‌ی تاریخی مسوولیت بر دوش گرفتند و مسیر تاریخ را عوض کردند. امروز جهانیان وام‌دار مبارزات و قهرمانی‌های روشن‌گرانه‌ی آن‌ها هستند. این تجربه‌ای بود که بعدها در بسیاری از کشورهای جهان تکرار شد و برآیند مطلوبی داشت. پس از سال ۲۰۰۱ م ما می‌توانستیم از این تجربه بهره بگیریم، اما پس از نوزده سال دیده می‌شود که ما در این عرصه ناکام بوده‌ایم. حداقل نتوانسته‌ایم یک جنبش بیداری ملی شکل بدهیم و نتوانسته‌ایم مولفه‌های دست‌وپاگیر فراراه دموکراسی را از جامعه خویش برداریم.

هم‌چنان این نسل طی نوزده سال، از بس که با هم تضاد منافع شخصی داشته‌اند، نتوانسته‌اند یک روایت سومی را به وجود آورند تا امروز دست‌کم در این بازی‌ها شاهد یک روایت دیگر باشیم؛ روایتی مردم‌سالار و مبتنی بر واقعیت‌های موجود افغانستان. اینک سرنوشت افغانستان به دست دو گروه است. این دو گروه با هم شباهت‌هایی نیز دارند. آن‌هایی که از نشانی «جمهوریت» در صحنه‌ی سیاست حضور دارند، به همان پیمانه انحصارطلب‌اند که طالبان آن را به گونه‌ی دیگری زمزمه می‌کنند. طبیعی است که جایگاه نسل نو در این میان خالی است. تجربه رفتارها و گفتارهای این نسل نشان می‌دهد که آن‌ها هنوز هم در میدان تصمیم‌گیری به نتیجه‌ای نرسیده‌اند.

۸صبح
روایت دیروز آئینه امروز نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com
مدیر مسوول: مجیب مهرداد mujib_mehrdad@yahoo.com
سردبیر: وحید پیمان s.wahid.payman@gmail.com
دبیر گزارش‌ها: خلیل اسیر
دبیر بخش خبر: علی‌شاه حقمل
دبیر رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت

دبیر بخش ویدیو: محمدنصیر کاوشگر
خبرنگاران: عبدالاحمد حسینی، حسیب بهش، محمدحسین نیک‌خواه، خلیل رسولی، هما همتا، الیاس طاهری، احمدشاه شاداب، حفیظ علی‌خیل، توفان عمری، شعیب حکیمی، پرویز کامروز
ویراستار: علی نظری، س.نوین
صفحه آرایی: رضا مرادی
پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ – ۰۷۸۸۷۸۸۷۹۹ Shaparsepehr@gmail.com
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
نشانی دفتر کابل: تایمنی، کابل، افغانستان
۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸صبح است.
سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

Publisher:
Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com
Editor-in-Chief:
Mujib Mehrdad
mujib_mehrdad@yahoo.com
Facebook.com/8am.af
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af

Hasht e Subh Daily
8 am.af
Yesterday's Narrative | Today's Mirror | Tomorrow's Hope

13th Year ◇ No: 3454 ◇ Tuesday ◇ 13 October, 2020 ◇ Price: 20 Afs

اولین لامبادا در مکروریان

احمدنوید نورمل

این نوشته با الهام از کتاب «نخستین فلامینکو در سمنگان»، اثر سید طیب جواد نوشته شده است. در این نوشته به تفاوت‌های جوانی‌های کابل وطن سید طیب جواد با کابل وطنی که نسل من از آن خاطره‌ها دارند پرداخته شده است.

در اولین سطرهای کتاب نخستین فلامینکو در سمنگان، آقای جواد می‌نویسد که او دوست دارد عزت و لذت زنده‌گی او از شعر، ادب و فرهنگ بیاید و از علاقه نوجوانی‌اش به فدریکو گارسیا لورکا شاعر اسپانیایی یادآوری می‌کند. او هم‌چنان می‌گوید که فرهنگ و ادبیات را از زنده‌یاد پدرش به میراث برده است. خاطراتی که جواد در این اثر از آن یادآوری می‌کند، خواندن آن برای نسل من بیش‌تر به یک افسانه می‌مانَد تا به حقایقی که در آن جغرافیا زنده‌گی کرده باشد. وقتی او از اولین تجربه‌های شعر گونه و زمستان‌های قندهار و (هی پی)های توریست در افغانستان صحبت می‌کند، شاید برای من و هم‌نسلانم بیش‌تر یک رویا باشد و چی دردناک است این رویایی که گاهی حقیقت بوده، ولی تکرار آن هنوز هم برای من و هم‌نسلانم رویا مانده است.

وقتی اولین بار در مورد نخستین فلامینکو در سمنگان فکر کردم، خاطرات کودکی و یا هم نوجوانی خودم که در دوره طالبان گذشتانده بودم به یادم آمد. جواد وقتی در کتابش از فلامینکو می‌گوید، من به یاد لامبادا می‌افتم. به یاد دارم که اولین بار وقتی پدرم که در آن زمان در سازمان ملل وظیفه داشت، برای ما از پاکستان یک پایه کامپیوتر خریداری کرد، یکی از اولین آهنگ‌های که روی آن شنیدم و دیدم آهنگ لمبادا بود. لمبادای که بعدها فهمیدم از رقص‌های معروف برازیلی است. این زمانی بود که کمتر مردم در کابل به کامپیوتر آشنایی داشتند و داشتن کامپیوتر در خانه خطر مرگ را به جان خریدن چیزی بیش نبود. ولی چون در یک خانواده فرهنگ‌دوست و دانشمند زنده‌گی می‌کردم، مادر و پدر هر دو تلاش می‌ورزیدند تا با ارزش‌های فرهنگی بیش‌تر آشنا شویم. با وصف این‌که حتی شنیدن موسیقی در آنزمان حکمش می‌توانست به شلاق و حتی اعدام برسد، من و برادرم میلودی لمبادا و آهنگ بروید ای حریفان زنده یاد احمد ظاهر را روی پرده‌های هارمونیه با صدای خفیف تمرین می‌کردیم. زمانی‌که به زبان آوردن کلمه آهنگ و موسیقی جرم پنداشته می‌شد، من و برادرم مصاحبه‌های هنری هنرمندان افغانی را در مجله آواز که از گذشته در صندوقچه کتاب‌های مادرکلانم باقی مانده بود، می‌خواندیم. در آن زمان که تهیه غذا بر روی سفره برای نان آور خانواده کار دشوار بود، پدرم از پول نان کم می‌کرد و برای ما رمان‌های فارسی خریداری می‌کرد تا چشم‌های‌مان با خواندن و نوشتن بلد شود.

در قسمتی از کتاب نخستین فلامینکو در سمنگان، آقای جواد از منزل باغ، سینمای قندهار، بایسکل‌سواری‌ها در سنزیری و حومه‌های شهر قندهار صحبت می‌کند و وقتی من به دوران کودکی و نوجوانی‌ام فکر می‌کنم، لنگی‌زدن‌های جبری در صنف چهارم و پنجم مکتب به یادم می‌آید. درست به یاد دارم که لنگی‌ام را مادرم از ترس این‌که مبادا باز شود، در کلاه بخیه کرده بود و هر روزی که از مکتب به خانه می‌آمدم اولین کارم همین بود که لنگی را دور می‌زدم و روز بعدی با گریه از مادرم می‌پرسیدم که لنگی‌ام کجاست؟ سوال یک کودک ۱۰ یا ۱۲ ساله در مورد لنگی خنده‌دار ولی دردناک بود. نوستالژی که نسل جواد از کابل قدیم دارد با خاطرات که نسل من از آن دارد قابل مقایسه نیست. نسل جواد درباره نشر شعرها و مقالاتش در جریده‌های لیسه استقلال یاد می‌کند و نسل من که از فراگرفتن مضامین ساینسی محروم بودند، درس‌های مجهول فقه اکبر و نورالایضاح را بدون این‌که معنایش را بفهمند، به یاد می‌آورَد.

هر چه بیش‌تر کتاب فلامینکو در سمنگان را ورق می‌زنم به این پی می‌برم که نسل‌های قبل‌تر از ما شاید دست‌رسی به مادیات فراوان نداشتند، ولی خوشی‌های‌شان بیش‌تر از ما بوده است. علاقه و خوشی‌های آن نسل، بیش‌تر به چیزهای کوچک ولی ارزشمند مانند مجله آواز، قصه‌های اکرم عثمان، اشعار حمید مومند، کلبه‌ی صوفی عشقری، و جهان‌بینی گره خورده، ولی متاسفانه در نسل من این ارزش‌های بر محور مادیات، پروژه گرفتن‌ها، راه رفتن به خارج، نزاع بر سر پوهنتون و دانشگاه، فارسی و دری می‌پیچد.

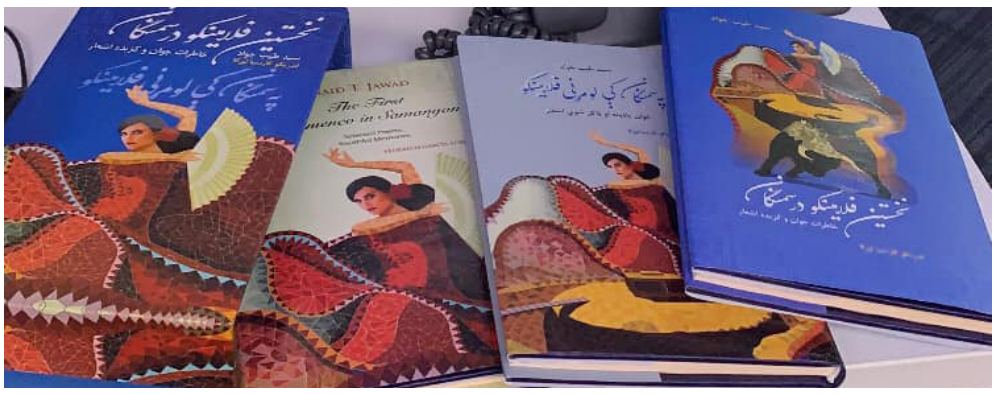

وقتی آن همه را می‌خوانم و این همه را می‌بینم، حس عجیبی برایم دست می‌دهد؛ حسی از جنس درد، حسادت، و افسوس.

بعد از سال ۲۰۰۱ و براندازی رژیم طالبان، امیدواری‌ها برای بهتر شدن شرایط زنده‌گی بیش‌تر گردید. با وصف آن‌که پیش‌رفت‌های قابل ملاحظه‌ای در همه عرصه‌ها وجود داشت، ولی هیچ‌گاهی نتوانستیم به فکر آرام و بدون هراس به یک قهوه‌خانه‌ی شهر، مثل آن شیریخ‌فروشی یا سماواری که نسل جواد در قندهار به آن می‌رفتند، ما در کابل برویم. نسل من، نسلی است که در جنگ تولد شد، و در جنگ بزرگ، و تا هنوز در آرزوی صلح و آرامش نفس می‌کشد.

ما من‌حیث یک ملت ناکام شدیم و نتوانستیم ارزش‌های اصلی‌مان را که در شرایط دشوار زیر خاک شده بود، دوباره احیا کنیم و ادامه بدهیم. ما در ۲۰ سال گذشته چانس ملت‌شدن را از دست دادیم، چانسی که شاید دیگر هرگز به دست نیاید. و هنوز نفهمیدیم که چی کسانی برای پاسداری از این ارزش‌ها جان‌های‌شان را فدا کردند و چی کسانی به آن خیانت کردند. نسل من هنوز هم هر روز قربانی سیاست‌های غلط می‌شود و هر روز از ارزش‌های انسانی و مدنی‌شان دورتر می‌شوند و شاید این به خاطری است که نسل من کم می‌خواند، زیاد می‌گوید، زود قضاوت می‌کند، زود خشم‌گین می‌شود، زود فراموش می‌کند، به هم‌نوع خود می‌تازد، و از محبت صمیمیت و هم‌دلی می‌گریزد. چرا؟ شاید هزاران دلیل... ولی به یاد داشته باشیم که اگر برای توجیه یک اشتباه، هزار دلیل بیاوریم، شاید هزار و یک اشتباه کرده‌ایم.

تروریسم در کمین جمهوریت‌های اقماری هارتلند

ایمان نوری، دانشجوی روابط بین‌الملل

خشم فروخورده بدل به انفجار بزرگ شد. همه داستان از یک خلای قدرت ناشی از فروپاشی یک قدرت جهانی قرن بیستم شروع شد. سال‌های منتهی به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی دقیقاً همان سال‌هایی است که جرقه‌ی آتش مسأله قره‌باغ را زد و در سال‌های ۹۰ تا ۹۲ میلادی منجر به اشغال ۲۰ درصد خاک جمهوری آذربایجان و خارج شدن یک میلیون آذری بوده است.

نبرد قره‌باغ که برای آذربایجانی‌ها نبرد آزادی بخش قره‌باغ و اما برای ارمنستانی‌ها جنگ آزادی‌بخش آرتساخ نامیده می‌شود، پیشینه و ریشه قومی-مذهبی دارد.

این جنگ از فبروری سال ۱۹۸۸ آغاز شد و تا مارچ سال ۱۹۹۴ (شش سال) در جنوب غربی آذربایجان ناحیه قره‌باغ ادامه یافت که در نهایت به پیروزی نظامی ارمنی‌ها انجامید.

بر طبق توافق‌نامه بیشکک که اولین دوره جنگ قره‌باغ با امضای قرارداد آتش‌بس بیشکک در سال ۱۹۹۴ به پایان رسید گفته شد که مناطق آینده بر طبق نقشه جدید میان دو کشور از سال ۱۹۹۱ به صورت کامل قطع خواهد شد، اما این توافق‌نامه به هیچ صورتی متضمن آتش‌بس درازمدت و فراگیر شده نتوانست و از برخورد نظامی دو کشور نیز جلوگیری نتوانست.

ماجرا از کجا آغاز شد؟

نخستین کنگره ارمنی‌های ناگورنو قره‌باغ در ۲۲ جولای ۱۹۱۸ فصل تازه‌ای را بنیان گذاشت که تا سال ۱۹۲۰ گردانندگان آن بر بنیاد قانون بومی (محلی) همان کنگره، کارش را دنبال کردند. اما با جمهوری آذربایجان که پالیسی و حرکت‌هایش از سوی انگلستان ترسیم می‌شد، همکاری نکردند و هر گونه دگرگونی در این رویکرد را وابسته به راه‌کار پایانی موافقت‌نامه صلح پاریس دانستند. در میثاق جامعه ملل (سازمان ملل متحد امروزی) دولت ارمنستان بر بنیاد بند ۸۸ این توافق‌نامه بر گونه دوژور (قانونی، رسمی و همیشه‌گی) فیصله را پذیرفت، اما دولت آذربایجان با نگاه به این‌که تا پیش از پیوستن این سرزمین به روسیه تزاری بخشی از آن سرزمین از قاجاریان ایران بوده و دولت مستقلی وجود نداشته است، مخالفت کرد. این توافق‌نامه از سوی بریتانیا، فرانسه، ایتالیا و جاپان به گونه دوفکتو (موقتی) پذیرفته شد، اما همین کشورها پشتی‌بانی از آذربایجان اعلان کردند که با تمام شدن زمان این قرارداد، تصمیم قانونی در جامعه ملل مطابق به رای موافق-مخالف گرفته خواهد شد. ایالات متحده امریکا آخرین کشوری بود که مخالف ارمنستان شد و این شناسایی و تعیین مرزها را نپذیرفت.

هم‌چنان در آن زمان دو سرپرست برای آذربایجان تعیین شد: یکی دولت مساوات به مرکزیت ولایت گنجه که کمی پس از آن، در ماه اپریل ۱۹۲۰ بیرون‌مرزی شد و دیگری دولت بلشویک به مرکزیت پایتخت فعلی آن یعنی باکو.

دولت مساوات در گنجه، تحت حمایت مستقیم ترکیه بود و بعدها دولت بلشویک نیز تحت حمایت مستقیم ترکیه در آمد.

طرفین درگیر و حامیان تسلیحاتی کی‌ها بودند؟

ارمنستان تحت حمایت نظامی و تسلیحاتی روسیه و یونان این نبرد را به پیش می‌برد.

اما این طرف، آذربایجان از سوی ترکیه، اسراییل، اوکراین، ایران و پاکستان حمایت نظامی و تسلیحاتی می‌شد و جنگ را تا نقطه صفری مرزی رهبری می‌کردند، نکته جالب توجه این‌جا است که در میان فهرست رهبران و فرماندهان آن جنگ اسم رهبر حزب اسلامی گلبدین حکمتیار از افغانستان نیز دیده می‌شود.

ابعاد نظامی این جنگ

ابعاد نظامی این جنگ برای منطقه به حدی فاجعه‌بار بود که بیش از ۳۵ هزار تن از طرفین درگیر کشته شدند و بیش از ۸۰۰ هزار تن از کاشانه‌های‌شان بی‌جا و آواره گردیدند. این جنگ از افغان‌ها نیز قربانی گرفت، حدود یک هزار تن از افغان‌هایی که از آدرس حزب اسلامی گلبدین حکمتیار وارد آن نبرد شدند، یا کشته شدند و یا هم مفقودالاثر اند.

آیا پروژه سوریه‌سازی قفقاز جنوبی در راه است؟

حالا یک‌بار دیگر درگیری میان این دو کشور آغاز شده است و خمپاره‌های نفرت به سوی یک‌دیگر شلیک می‌شود. ظواهر این جنگ بیان‌گر آن است که این معضل میان این دو کشور یک معضل تاریخی قومی-مذهبی است. اما گروهی از آگاهان مسایل اورآسیا بر این نظر اند که این جنگ برای کشاندن پای ایران به این معضل، صحنه‌سازی شده است اما در این زمینه مدرک و سند محکم و قابل اعتماد در دست نیست.

موضع بازیگران منطقه‌ای و جهانی

صف‌بندی کشورهای دخیل در این تنش نیز فوق‌العاده متعجب‌کننده و در عین حال جالب است. روسیه، ترکیه و ایران که کشورهای دوست و متحد هم شناخته می‌شوند، به یک‌باره‌گی در این تنش‌ها در مقابل هم قرار گرفتند.

همین طور اسراییل، فرانسه و انگلستان که به عنوان متحدان و دوستان صمیمی هم‌دیگر در خاورمیانه شناخته می‌شوند، این بار در این تنش‌ها رویاروی هم قرار گرفتند.

حتا این صف‌آرایی‌های متعجب‌کننده در مورد افغانستان و پاکستان نیز صدق می‌کند، افغانستان و پاکستان که روابط‌شان بسیار کم‌رنگ و متزلزل است، این جنگ آنان را همسو و هم‌نظر ساخته است.

ابعاد بین‌المللی این تنش‌ها

این بحران بعد از جنگ‌های ویتنام، ایران و عراق و هند و پاکستان از لحاظ ابعاد بین‌المللی قابل ملاحظه است. این بحران بعد از اولین جنگ در سال ۱۹۸۸ ابعاد بین‌المللی پیدا کرد، چون به موجب قطع روابط دیپلماتیک آذربایجان و ترکیه با ارمنستان و انسداد مرزها در قفقاز جنوبی، زمینه‌ی حضور کشورها و سازمان‌هایی چون ترکیه، روسیه، ایران، فرانسه، سازمان امنیت همکاری اروپا (مینسک) و شورای امنیت سازمان ملل متحد را فراهم کرد.

آیا ناگورنو قره‌باغ مرز به رسمیت شناخته‌شده جهانی است؟

قره‌باغ در حال حاضر از لحاظ بین‌المللی به عنوان بخشی از قلمرو جمهوری آذربایجان شناخته شده است، اما اکثریت جمعیت آن منطقه ارمنی‌تبار هستند.

در زمان اتحاد جماهیر شوروی، قره‌باغ یک منطقه با اکثریت ارمنی تبار بود، اما شوروی اداره منطقه را به مقامات جمهوری آذربایجان داد و در زمان شوروی به یک منطقه خودمختار در درون خاک جمهوری آذربایجان به ریاست روبرت کوچاریان بدل شد.

آینده آذربایجان و ارمنستان

اگر این تنش‌ها به سوی پروژه سوریه‌سازی به پیش برود و اگر جلو برخوردهای نظامی این دو کشور گرفته نشود، زمینه مداخلات علنی‌تر و وحشت‌ناک‌تر فراهم خواهد شد و ثبات آسیای مرکزی و آسیای صغیر، بیش‌تر از هر زمان دیگری با خطر بزرگ مواجه خواهد گردید.

واکنش ارمنستان به حمایت کابل از باکو

پارلمان ارمنستان در واکنش به حمایت جمهوری اسلامی افغانستان از آذربایجان خواستار اخراج افغانستان از سازمان پیمان امنیت جمعی کشورهای آسیای میانه و قفقاز شد.

هم‌چنان این اقدام کابل انتقادهای داخلی را نیز برانگیخت تا اندازه‌ای که شماری از منتقدان حکومت در صفحات مجازی‌شان نسبت به حضور نظامی طالبان در ولسوالی قره‌باغ کابل به رییس جمهور غنی به گونه کنایه‌آمیز چنین نوشته‌اند:

تو کار قره‌باغ کابل را نکو ساختی
که بر قره‌باغ آذربایجان نیز پرداختی